

# اقتصاد

اقتصادی تحلیل

پیاپی بیست و هفتم - سپهر نور ۱۳۹۸ - شماره ۷۰ - تیرماه

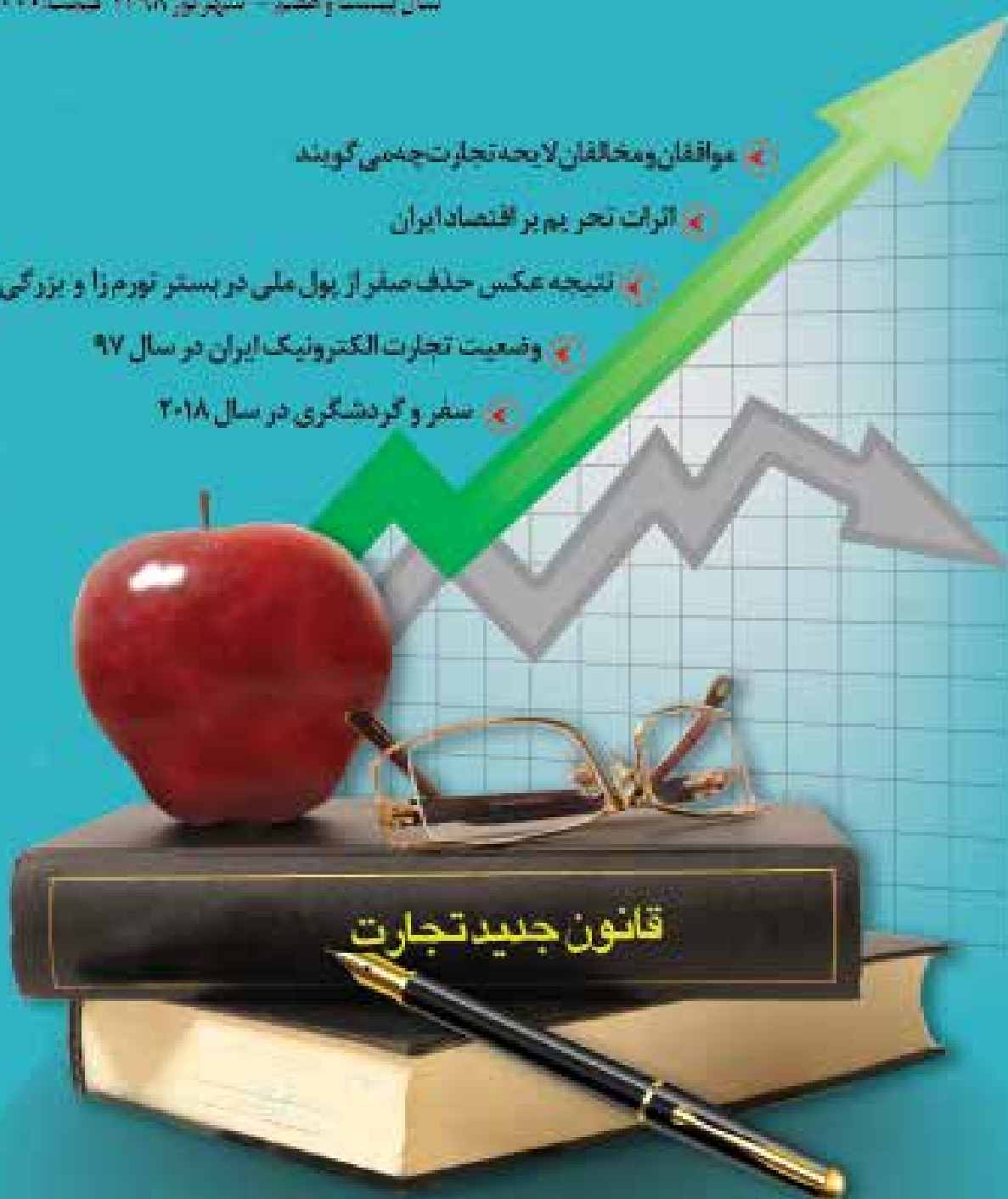
❖ موافقان و مخالفان لایحه تجارت چندی گویند

❖ اثرات تحریم بر اقتصاد ایران

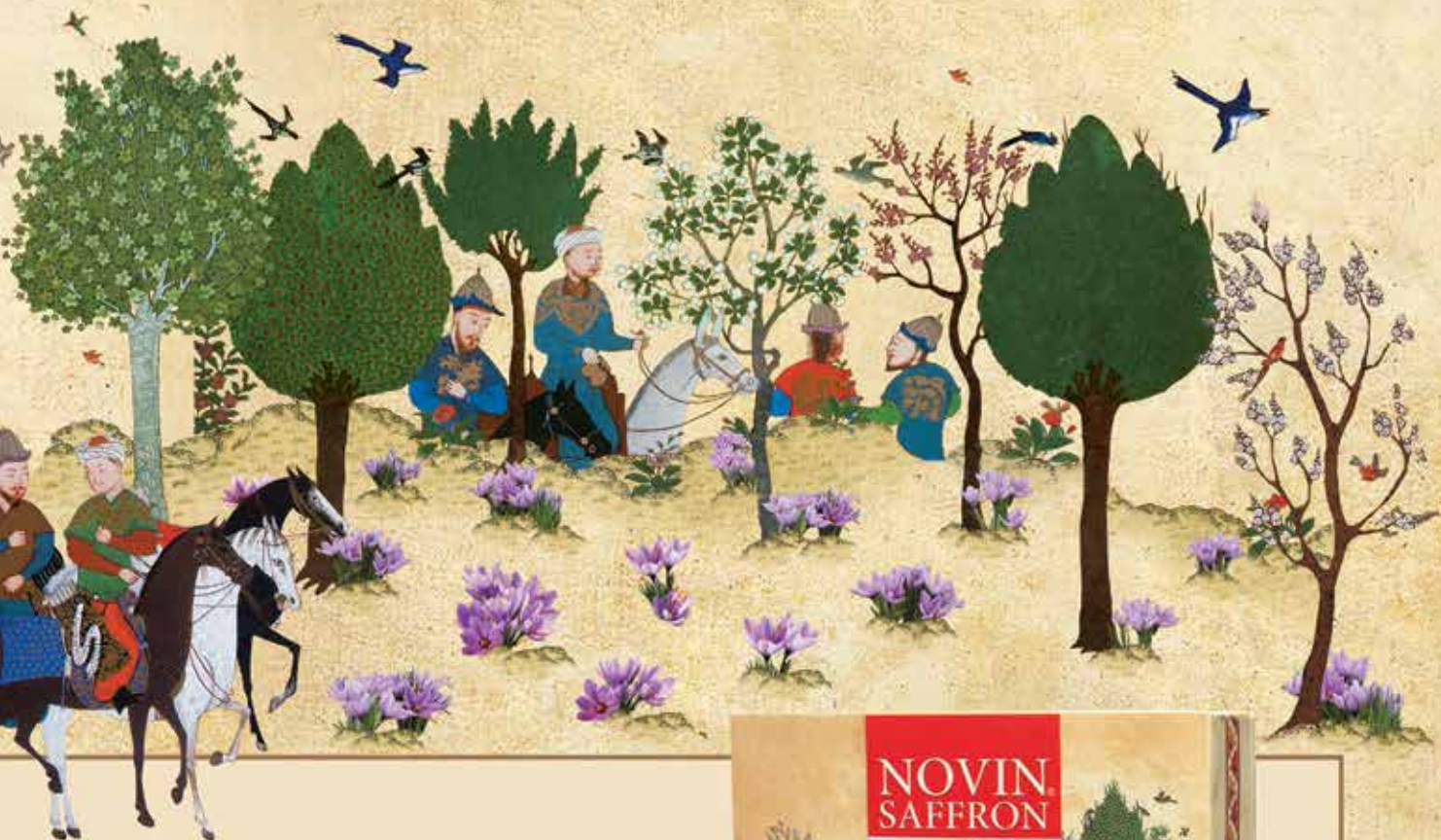
❖ نتیجه عکس حذف صفر از پول ملی در بستر تورم‌زا و بزرگی دولت

❖ وضعیت تجارت الکترونیک ایران در سال ۹۷

❖ سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۸



# NOVIN SAFFRON



[saffron@novinsaffron.com](mailto:saffron@novinsaffron.com)
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317980](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- ۲ یادداشت / قانون تجارت
- ۳ قانون جدید تجارت
- ۴ موافقان و مخالفان لایحه تجارت چه می گویند
- ۶ نسخه نجات اقتصاد ایران از نگاه مسعود نیلی
- ۱۰ اثرات تحریم بر اقتصاد ایران
- ۱۴ مسیر صادرات را هموار کنید
- ۱۵ لایحه قانون تجارت را شتاب زده بررسی نکنیم
- ۱۶ افق بازار در نیمه دوم ۹۸
- ۱۸ فرش ایرانی نیازمند توجه
- ۱۹ سمت و سوی اقتصاد ایران در سال آینده میلادی
- ۲۰ هستی فرش دستباف ایرانی در معرض خطر است
- ۲۲ استراتژی توسعه صنعتی، ضرورتی ملی یا موضوع حاشیه ای
- ۲۵ تحلیل یک کارشناس در آینده بازار مسکن
- ۲۶ سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۸
- ۲۸ مناطق آزاد اقتصادی در ایران از رویا تا واقعیت
- ۳۲ نتیجه عکس حذف صفر از پول ملی در بستر تورم زاو بزرگی دولت
- ۳۴ دیدگاه دولت درباره اشتغال شرکت های دانش بنیان واقعی است
- ۳۵ تغییر جغرافیای تجارت
- ۳۸ وضعیت تجارت الکترونیک ایران در سال ۹۷

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:  
مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

طراحی و صفحه آرایی:  
زیبا صادقی

گروه ترجمه:  
زهرا پزشکی

ویراستار:  
احمد حسین زاده

عکس:  
حسین نظامی

واحد بازرگانی:  
تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

روابط عمومی:  
محبوبه احمدپور

نشانی:  
تهران - شریعتی - خیابان دستگردی  
پلاک ۷۴  
طبقه دوم - واحد ۳  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱  
دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲  
مشهد - خیابان راهنمایی - برج سلمان  
طبقه ۸ - واحد ۲  
تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

www.eghtesadasia.com  
eghtesadeasia@gmail.com

چاپ: ایران زمین

## قانون تجارت

قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه) از جمله قوانین بنیادی ایران است که چندین و چند دهه بدون تغییر باقی مانده، اما اخیراً نمایندگان مجلس در حال تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت هستند، آن هم با سرعتی بالا. معلوم نیست پس از این همه تأخیر این عجله برای چیست؟

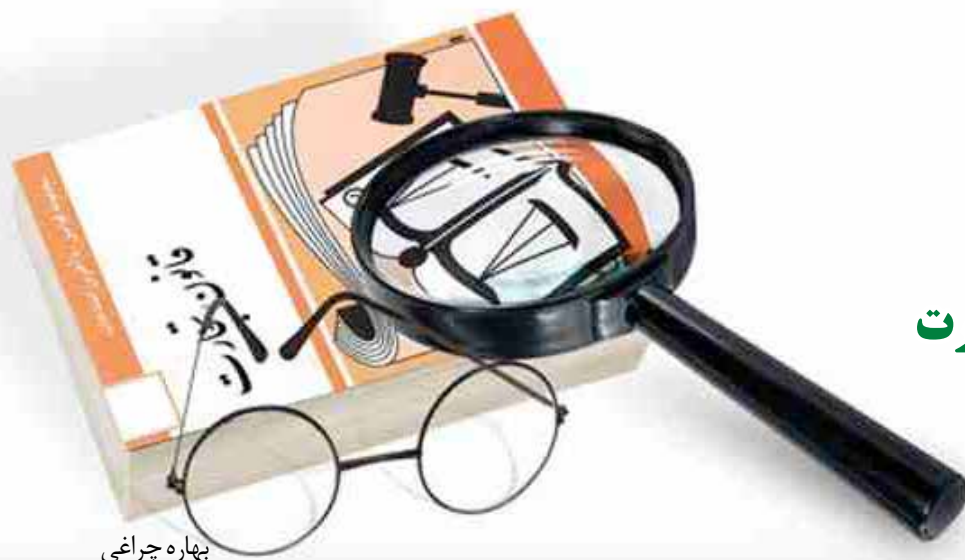
این نکته آشکار است که درباره این لایحه به اندازه کافی، کار کارشناسی صورت نگرفته و بررسی و تصویب بندهای آن با این همه عجله در ماه‌های پایانی عمر مجلس دهم به صلاح اقتصاد ایران نیست. مواد لایحه تجارت در شرایطی روی دور تند در صحن مجلس تصویب می‌شود که این قانون از جمله قوانین ساختاری و مهم کشور است که بند بند و ماده به ماده آن از اهمیتی ویژه برخوردار است و بر فضای اقتصاد و محیط کسب و کار، تأثیرات ریشه‌ای خواهد داشت.

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی ایران معتقد است: «تعمیل مجلس در بررسی لایحه اصلاحی قانون تجارت نگران کننده است و متأسفانه در فرآیند اصلاحات قانونی با این اهمیت، نظر فعالان اقتصادی گرفته نشده است و عجله در اصلاح این قانون، فعالیت‌های تجاری را تحت تأثیر قرار خواهد داد.»

وی افزوده است که «قانون تجارت به عنوان یک قانون مادر بر مبادلات تجاری کشور حاکم است و بسیاری از بنیان‌های اقتصادی نیز به آن متکی است، امان‌نمایندگان مجلس ۱۰۹ ماده از لایحه اصلاح این قانون را فقط در دو ساعت بررسی و تصویب کرده‌اند که دلیل این تعجیل و تبعات آتی آن جای نگرانی و سؤال دارد.»

از سوی دیگر تحولات گسترده اقتصاد جهانی در قرن اخیر ایجاب می‌کند که بندهای این قانون با قوانین بین‌المللی تطبیق داده شود. رونق تجارت خارجی و جذب تاجر و سرمایه‌گذار خارجی با تغییر مولفه‌های موثر اقتصادی امروزه به ضرورت بی‌بدیل توسعه کشورها تبدیل شده است و قانونگذاران در صدد تدوین قوانین تجارت خاص و مستقل ولی متصل و مرتبط در قالب قانون جلب و جذب سرمایه‌گذار خارجی در کشور هایشان هستند که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و از پیوستگی بسیاری با قانون تجارت داخلی کشورها برخوردار است. قانون جلب جذب سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ به موضوع مهم و اساسی تعریف بازرگان، تاجر و سرمایه‌گذار خارجی علی‌الخصوص در موارد مرتبط و هنگام برخورد و تلاقی و آراجم به یکدیگر در این مبحث مهم پرداخته است، اما آیا قانون تجارت داخلی در دست اصلاح به این نکات و ده‌ها نکته دیگر توجه کرده است.

شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی و تعامل با بخش خصوصی از اشتباه راهبردی در مهمترین قانون کشور جلوگیری می‌کند



بهاره چراغی

## قانون جدید تجارت

کشور داشته باشد. اما بنیان این لایحه از کجا پی‌ریزی شد؟ تدوین لایحه تجارت از اوایل دهه هشتاد در دولت وقت آغاز و این لایحه در سال ۱۳۸۴ به مجلس تقدیم شد و در نهایت در تاریخ ششم دی‌ماه سال ۱۳۹۰ در کمیسیون حقوقی و قضایی که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی عهده‌دار بررسی آن بود، به تصویب رسید. مجلس نیز در تاریخ ۲۳ فروردین سال ۱۳۹۱ با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال موافقت و آن را برای شورای نگهبان ارسال کرد و شورای نگهبان نیز با ایراد اصل هشتاد و پنجم آن را به مجلس عودت داد و برای رفع ایراد شورای نگهبان لازم بود این متن در صحن علنی مجلس به تصویب برسد. نظر به حجم بالای مواد این لایحه (۱۲۶۱ ماده)، تصمیم کمیسیون قضایی بر آن شده که این لایحه به صورت کتاب به کتاب و در پنج مرحله به صحن علنی مجلس ارائه شود که «کتاب قراردادهای تجاری» آن در ۱۲ فصل و ۳۳۱ ماده در شهریورماه ۱۳۹۸ در دستور کار مجلس قرار گرفت. اگرچه تصویب تمام این قسمت از لایحه تجارت در هفته دوم شهریورماه ۱۳۹۸ در مجلس به پایان رسیده، ولی مواد ۲۷۹ و ۲۹۳ این لایحه برای بررسی مجدد به کمیسیون قضایی و حقوقی ارجاع شد. همین موضوع سبب می‌شود تا زمان حصول نتیجه بررسی این مواد از کمیسیون و رای‌گیری مجدد راجع به آنها در صحن مجلس، ارسال سایر مواد تصویب شده این لایحه به شورای نگهبان به تاخیر بیفتد.

نمایندگان مجلس در حال بررسی و تصویب لایحه‌ای مهم به نام «قانون تجارت» هستند که به عنوان یک قانون مادر در اقتصاد شناخته شده است. در صورت تصویب این لایحه که بسیاری از مواد قانون قبلی آن تغییر داده شده، باید منتظر تغییراتی اساسی در مسائل حقوقی مربوط به مبادلات و سازوکارهای اقتصادی از جمله قوانین کار و قراردادهای بود. قانون تجارت شامل بیش از ۱۳۰۰ ماده قانونی می‌شود که تغییر در هر کدام از آنها می‌تواند قاعده تبادلات اقتصادی را از اساس تغییر دهد. نگرانی عمده در تصویب مواد لایحه جدید، سرعت آن است؛ به طوری که در کمتر از چند روز بیش از ۳۰۰ ماده قانونی مورد تصویب قرار گرفته است. در این باره اقتصاددانان و فعالان بخش خصوصی معتقدند که این تغییرات می‌تواند تبعات نامطلوبی برای نظام اقتصادی



# موافقان و مخالفان لایحه تجارت چه می‌گویند؟

## لایحه‌ای برای طوفان در اقتصاد کشور

که قانون تجارت با عنوان یک قانون مادر در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و تمام افرادی که به نحوی در تجارت دخالت دارند، با تک تک موارد آن آشنا هستند. پس بررسی و تصویب آن با سرعت زیاد و به عنوان یک ضرب‌العجل منطقی نیست و ما با عنوان پارلمان بخش خصوصی کشور از مجلس می‌خواهیم که تصویب این قانون را متوقف کند.»

غلامحسین شافعی، رییس اتاق بازرگانی ایران نیز پیش‌تر به انتقاد از نحوه بررسی لایحه اصلاحی قانون تجارت در مجلس پرداخته و تعجیل در بررسی این لایحه را نگران‌کننده دانست. او قانون تجارت را یکی از قوانین مادر عنوان کرد و گفت: «عجله در اصلاح این قانون بدون شک می‌تواند بر فعالیت‌های تجاری اثرگذار باشد. علاوه بر این، مجلس باید نظر بخش خصوصی را نیز اخذ کند که با توجه به تعجیل در بررسی این لایحه، توجهی به نظرات بخش خصوصی هم نشده است.»

### طوفانی مخرب در اقتصاد ایران؟

اما درباره سرعت در بررسی لایحه تجارت، برخی کارشناسان عنوان می‌کنند اگر قرار باشد قوانین یک‌شبه تغییر کنند، مانند طوفانی مخرب می‌تواند باعث به وجود آمدن آسیب‌های جدی شود. حامد پاک‌طینت، کارشناس اقتصادی درباره فرآیند تصویب لایحه تجارت در مجلس شورای اسلامی گفت: «تصویب عجولانه لایحه تجارت تبعاتی برای مجموعه اقتصاد و فعالان آن دارد. از طرف دیگر، قوای مجریه، مقننه و قضاییه نیز با تغییرات جدید تحت تاثیر قرار خواهند گرفت.»

پاک‌طینت با تاکید بر نیاز به اصلاح و تغییر در قوانین تجارت عنوان کرد: «با این حال قوانین جدید باید ویژگی‌هایی داشته باشند که شفافیت یکی از آنهاست. بعید است کسی نسبت به اصل تغییرات اعتراضی داشته باشد، اما مساله اصلی چگونگی انجام این تغییرات است.» او، قوانین تجارت را مهم‌ترین قوانین اقتصادی کشور ارزیابی کرد و افزود: «قوانین تجارت حداقل ۲۰ میلیون نفر را به صورت مستقیم تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و اگر قرار باشد این قوانین یک‌شبه تغییر کنند، مانند طوفانی مخرب می‌تواند باعث به وجود آمدن آسیب‌های جدی شود.» پاک‌طینت، راه‌حل تغییر قانون تجارت را در تغییر تدریجی و مورد به مورد این قانون دانست و گفت: «پیش از هر چیز مرکز پژوهش‌های مجلس، اقتصاددانان و همچنین اعضای اتاق بازرگانی باید تغییرات جدید را در نظر بگیرند و درباره آن بحث کنند.»

در حالی که این روزها فعالان اقتصادی نسبت به سرعت بررسی لایحه تجارت در مجلس انتقاد می‌کنند، اما در مقابل برخی نمایندگان مجلس عنوان می‌کنند چگونه ممکن است قانونی که از مجلس هفتم و دولت هشتم ارائه شده و اصلاحاتی هم بر آن انجام شده، پس از این همه سال، زمان کافی برای بررسی نداشته باشد؟

نمایندگان مجلس در حال بررسی و تصویب لایحه‌ای به نام لایحه تجارت هستند که در صورت تصویب و تبدیل شدن به قانون، ابعاد وسیعی از فعالیت‌ها و مبادلات اقتصادی از جمله قوانین مربوط به قراردادهای تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد.

قانون تجارت شامل بیش از ۶۰۰ ماده قانونی می‌شود که تغییر در هر کدام از آنها می‌تواند قاعده تبادلات اقتصادی را از اساس تغییر دهد. نکته مهم در اجرای این تغییرات سرعت آن است؛ به طوری که در کمتر از چند روز بیش از ۳۰۰ ماده قانونی مورد تصویب قرار گرفته است. نکته ای که حجت‌الاسلام علی‌رضا سلیمی، نماینده مردم محلات در مجلس نیز به آن اشاره کرد. وی دهم شهریورماه در یادداشتی با عنوان «روز عجیب پارلمان با تصویب ۱۰۹ ماده از لایحه تجارت» نوشت: «امروز روز عجیبی بود. در عرض حدود ۲ ساعت ۱۰۹ ماده قانون لایحه تجارت در صحن علنی مجلس تصویب شد. واقعا بهت‌آور بود. مشکل آن است این مباحث تخصصی را عمده نمایندگان متوجه نمی‌شوند! چند نفر از همکاران نماینده نزد آمدند و به صراحت اعلام کردند از این مباحث چیزی نمی‌فهمند. با این وضع قانون‌نویسی به کجا می‌رویم.»

این موضوع حتی مورد انتقاد رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران قرار گرفت. مسعود خوانساری در ششمین جلسه از دوره نهم هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران با اشاره به لایحه تجارت و بررسی آن در مجلس شورای اسلامی گفت: «کنون ۸۵ سال است





وی با اشاره به راهاندازی کمیسیونی تخصصی در مجلس برای بهبود فضای کسب و کار، تصریح کرد: «این در حالی است که تغییر قانون تجارت دهها برابر از بهبود فضای کسب و کار مهمتر است و باید در کمیسیونی تخصصی مورد بحث قرار می گرفت.»

هزینه معامله بالا می رود

در این میان، محمدجواد معتمدی، استاد دانشگاه و کارشناس حقوقی درباره مفاد لایحه تجارت گفت: «متأسفانه این لایحه را به گونه ای شتاب زده نوشته اند؛ به طوری که انگار یک پروژه مخفی است. به نظر من کسانی که این لایحه را نوشتند، با مبانی اقتصادی خوب آشنا نبودند و یک سری مفاهیم را وارد لایحه تجارت کردند که جای آن در لایحه نبود و به این ترتیب حوزه قلمرو لایحه تجارت را توسعه دادند.»

وی درباره مصادیق گسترش قلمرو لایحه تجارت افزود: «تمام مشاغل جامعه صاحب حرفه هستند، اما اصلاً قواعد لایحه تجارت نباید درباره آن ها اعمال شود؛ صاحب حرفه و صاحب تجارت دو مفهوم متفاوت است. مثلاً مکانیکی خودرو و آموزشگاه رانندگی صاحبان حرفه هستند، ولی قطعاً تاجر نیستند.»

معتمدی عنوان کرد: «کنون صاحبان حرفه نیز مشمول قانون تجارت می شوند و به این ترتیب قوانین سخت گیرانه ای برای آن ها گذاشته خواهد شد که هزینه معامله را در جامعه بالا می برد.»

۱۵ سال وقت داشتید انتقاد کنید

اما در مقابل انتقادات درباره بررسی و تصویب لایحه تجارت، موافقان لایحه نگاه دیگری دارند. نماینده اصفهان در مجلس با رد انتقادات تعدادی از اعضای اتاق بازرگانی به قانون تجارت گفت: «این قانون به شورای نگهبان رفته و منتقدان می توانند از این طریق انتقادات خود را به اعضای شورا برسانند.»

حمیدرضا فولادگر که از موافقان قانون تجارت است، با اشاره به اعتراضات نمایندگان بخش خصوصی و برخی حقوقدانان تأکید کرد: «خیلی عجیب است که برخی از فعالان بخش خصوصی می گویند فرصت بررسی این قانون وجود نداشت؛ چگونه ممکن است قانونی که از مجلس هفتم و دولت هشتم ارائه شده و اصلاحاتی هم بر آن انجام شده، پس از این همه سال، زمان کافی برای بررسی نداشته

باشد؟»

این نماینده مجلس تصریح کرد: «در صحن علنی مجلس نماینده اتاق حضور داشتند و حتی تا جایی که می دانم در برخی جلسات کمیسیون ها نیز حضور داشتند. به این ترتیب من اصلاً نمی توانم متوجه شوم که برخی از اعضای اتاق بازرگانی از این قانون و مفاد آن و مباحث آن اعلام بی اطلاعی می کنند، چه معنایی دارد؟»

او در پاسخ به انتقاد دیگری که سرعت تصویب این قانون را سریع می دانست، گفت: «این ها دیگر بحث آیین نامه ای است. یعنی پیشنهادی مطرح شده و هیچ کس پیشنهادی ندارد، طبیعتاً سرعت تصویب بالا می رود. حالا شاید بهتر بود که بحث بیشتری انجام می شد، اما هیچ کدام از نمایندگان نظری نداشتند.»

فولادگر دلیل تعداد بالای مواد این قانون را کوتاه بودن هر ماده می داند که امکان تفسیر را کمتر می کند. وی گفت: «این لایحه را دوره دولت اصلاحات به مجلس ارائه شده است، در همه این سال ها نیز فرصت برای ارائه پیشنهاد و ارائه بررسی کارشناسی آن وجود داشت. در نتیجه همه کسانی که امروز منتقد هستند فرصت داشتند، مباحث کارشناسی خود را مطرح کنند، اما امروز که لایحه پس از سال های طولانی رد حال تعیین تکلیف است، این بحث مطرح می شود.»

نماینده اصفهان در مجلس عنوان کرد: «البته من مدعی نیستم این قانون بدون اشکال است، چراکه در عمل بهتر مشخص می شود که یک قانون تا چه اندازه کارایی دارد. با این حال اگر کسی هم انتقادی دارد، می تواند آن را به شورای نگهبان ارائه دهد، به ویژه اگر مواد این قانون با شرع اسلام یا قانون اساسی در تضاد باشد.»

این نماینده مجلس در رابطه با انتقاد دیگری که به این طرح شده تصریح کرد: «استفاده از تعبیری چون «کودتای اقتصادی» اشتباه است و تعبیر درستی نیست. با این حال اگر کارشناسان نقدی به ماده پنج هم داشته باشند، نظر خود را به شورای نگهبان اطلاع دهند.»

وی پیش بینی کرد این قانون در مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف شود و گفت: «از این رو دو مرحله دیگر از بررسی آن باقی مانده و در نتیجه بهتر است منتقدان در این مراحل بررسی نظرات خود را اعلام کنند، در ضمن اگر بحث های منتقدان مدون و کارشناسی باشد، حتماً شنیده خواهد شد.»

//خبرآنلاین



## نسخه نجات اقتصاد ایران از نگاه مسعود نیلی

نمی‌خواهند بر کشوری حکومت کنند که دارای این شاخص‌های بد باشد. مشایخی با طرح این سوال که با وجود پتانسیل‌ها و نیت خیر مسوولان چرا این مشکلات به وجود آمده است، گفت: پاسخ به این سوال را باید در «ساختارهایی» جست که در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و قضایی مستقر شده و عملکرد دهانیز نشأت گرفته از همین ساختارها است.

مشایخی با ذکر مثال‌هایی از ساختارهای اقتصادی ناکارآمد، اعمال قیمت دستوری ارز به دلیل مابه‌التفاوت قابل توجه آن با قیمت آزاد را منشأ بسیاری از رانت‌ها و فسادها برشمرد، که موجب فساد سیستم نیز می‌شوند. مثال دیگری در باره ساختارهای اشتباه، سوبسید فراوان برای حامل‌های انرژی بود که باعث افزایش مصرف، افزایش قاچاق و همچنین نفع بیشتر و تمندان نسبت به اقبال کم در آمد شده است. یکی دیگر از نمودهای مشکل ساختاری نیز بنگاه‌های دولتی هستند که تأثیر زیادی از نظام سیاسی می‌گیرند و توسط مدیرهای تحمیلی اداره می‌شوند و به همین دلیل راندها بسیار پایینی دارند. از نظر مشایخی، ریشه همه این مشکلات، ساختارهای اشتباهی است که در هر کجای دنیا نیز پیاده شود، همین نتیجه‌ها را در پی خواهد داشت.

استاد مدیریت دانشگاه شریف تصریح کرد: زمانی که نظام اقتصادی، فرصت رانت جویی و فساد را ایجاد می‌کند، آن‌گاه حتی افراد سالمی هم که در آن سیستم در حال فعالیت هستند نیز به سمت استفاده از رانت خواهند رفت. تفاوت وضعیت کنونی کشور با دوران ابتدای انقلاب ساختارهایی است که باعث به وجود آمدن این مفسده‌ها شده است. با توجه به فعال بودن کارخانه تولید فساد که همان ساختارهای معیوب هستند، برخورد قضایی به تنهایی نمی‌تواند کافی باشد.

از نظر نیلی، آن چیزی که الان برای نجات اقتصاد نیاز است، مطالبه راه‌حل از گروه‌های سیاسی است و اینجایی است که رسالت نخبگان است که ابرچالش‌ها را به گفت‌وگو عمومی تبدیل کنیم.

به گزارش تجارت‌نیوز، آخرین گردهمایی فارغ‌التحصیلان دانشکده مدیریت و اقتصاد شریف، با حضور و سخنرانی دو استاد برجسته این دانشکده برگزار شد: علینقی مشایخی و مسعود نیلی. این دو استاد دانشگاه، درباره آینده ایران و رسالتی که نخبگان در آینده دارند، نظرات خود را با شاگردان سابق به اشتراک گذاشتند.

مشایخی ساختارهای معیوب را عامل اصلی مشکلات کنونی دانست و ارائه راه‌حل به جای منازعات حزبی را ضرورتی برای خروج از وضعیت کنونی عنوان کرد.

نیلی نیز با ارائه آمارهای اقتصادی و مرور تجربه‌های تاریخی و سیاسی، اوضاع کنونی کشور را به مثال «معمای زندانی» تشبیه کرد که در آن هیچ یک از طرفین حاضر به پیش‌قدم شدن برای اصلاحات اقتصادی نیستند. معمای زندانی یکی از معروف‌ترین مثال‌های نظریه بازی‌ها است که نشان می‌دهد دو گروه از ترس عدم همکاری گروه رقیب به جای همکاری با هم و کسب منفعت بیشتر، گزینه عدم همکاری را انتخاب می‌کنند.

### مشکلات «ساختاری»

سخنران ابتدایی نشست «آینده ایران و رسالت نخبگان» علینقی مشایخی بنیان‌گذار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف بود. او در صحبت‌های خود، سعی کرد به ریشه‌یابی چالش‌های فعلی اقتصاد ایران بپردازد.

مشایخی با بیان اینکه امروز همه می‌دانند وضعیت کشور خوب نیست، گفت: شاخص‌های مختلف از جمله افزایش فساد، بیکاری و پرونده‌های قضایی و کاهش رشد اقتصادی حاکی از آن است که نظام حکومتی و سیاسی کار خود را به خوبی انجام نداده است.

به گفته او، این مشکلات در حالی وجود دارد که هم کشور پتانسیل خوبی دارد و هم مسوولان





### محکوم به ساختن کشورمان هستیم

مشایخی با پذیرش اوضاع نابسامان کشور، بیان کرد که در عین حال، ایران از پتانسیل‌های زیادی از جمله منابع طبیعی و شرایط جغرافیایی برخوردار است. این استاد دانشگاه، یکی دیگر از پتانسیل‌های امیدوارکننده کشور را علاقه خانواده‌ها به تحصیل فرزندان خود بیان کرد که همواره یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها بوده است.

مشایخی با بیان اینکه رقابت‌ها و گفت‌وگوهای سیاسی به جای تمرکز بر ارائه راه‌حل برای ایران، بر موضوعات بی‌اهمیت از جمله منازعات جناحی متمرکز شده است، ادامه داد: متأسفانه از دوران قبل از انقلاب تا الان، جریان‌های روشنفکری هم راه‌حلی برای ارائه نداشته‌اند و اغلب گفتمان آنها فاقد عمق بوده است و نتوانسته‌اند ریشه‌های جامعه‌ای که توانایی پیشرفت دارد را تبیین و برای مشکلات راه‌حل ارائه کنند.

استاد مدیریت دانشگاه شریف پس از برشمردن مشکلات کشور، مسوول حل این مشکلات در آینده را تحصیل‌کردگان کشور دانست، و ریشه‌یابی مسائل و ارائه راه‌حل بدون در نظر داشتن اینکه این سخنان شنیده خواهد شد یا خیر را مسوولیت نخبگان دانست و خطاب به شاگردان سابق خود گفت: ما محکوم به ساختن کشورمان هستیم و انتظار من این است که شما تحصیل‌کردگان بتوانید چراغ راه‌اروشتان کنید.

### درآمد سرانه؛ یک دهه توقف

نیلی در ابتدای سخنان خود با به تصویر کشیدن نمودار درآمد سرانه کشور از سال ۸۰ به بعد عنوان کرد: ما از دوران جنگ به بعد روندی صعودی در این شاخص داشته‌ایم، علاوه بر این در فاصله سال‌های ۸۰ تا ۸۵ علاوه بر روند صعودی با ثبات بیشتری نیز همراه بوده‌ایم. اما از سال ۱۳۸۶ افزایش درآمد در اقتصاد ما متوقف شده است و اگر مسیر قبلی را با رشد متوسط سالانه ۶/۵ درصد ادامه می‌دادیم در سال ۱۴۰۴ درآمد سرانه به میزان بیش از دو برابر سال ۸۶ می‌رسید، اما اکنون شکاف ایجاد شده شکاف نگران‌کننده‌ای است که نشان دهنده توقف ساز و کارهای ایجاد درآمد در اقتصاد کشور است.

این اقتصاددان با برشمردن سناریوهای احتمالی آینده اقتصاد ایران، سناریوی اول را گرفتن شتابی دانست که بتواند ما را به روند گذشته برساند. نیلی شرط تحقق این سناریو را رشد متوسط ۱۳ درصدی سالانه دانست اما

احتمال وقوع این سناریو را بسیار پایین تخمین زد.

سناریوی بعدی که نیلی از آن نام برد، رشد اقتصادی متوسط ۶/۵ درصد در سال است. اگر چنین رشدی، از سال جاری آغاز شود، به رغم نرسیدن به روند گذشته، حرکتی رو به جلو است. سناریوی سوم نیز رشد نیم تا یک درصدی است. برای پاسخ به این سوال که کدام یک از این سناریوها رخ می‌دهد در ابتدا باید به این سوال جواب داد که چرا رشد اقتصادی از سال ۱۳۸۶ به بعد متوقف شد؟

نیلی دو شاخص «بهره‌وری» و «موجودی سرمایه» را عوامل بالقوه رشد اقتصادی عنوان کرد و با مرور گذشته ۴۰ ساله اقتصاد کشور، گفت: رشد بهره‌وری در بلندمدت اقتصاد ایران صفر بوده و عملاً این شاخص تأثیر خاصی بر رشد اقتصادی نداشته است و از اینجاست که نتایج گرفته که هر چقدر موجودی سرمایه رشد کرده، کشور رشد اقتصادی داشته است.

داده‌های ارائه شده از سوی نیلی نشان‌دهنده تطابق این دو شاخص در تاریخچه اقتصاد ایران است؛ مثلاً در دهه ۸۰ رشد اقتصادی ۴/۴ درصد بوده و رشد موجودی سرمایه نیز ۴/۶ درصد اعلام شده است که بسیار به یکدیگر نزدیک بوده‌اند. نکته مهم اینجاست که رشد موجودی سرمایه از همان سال ۸۶ که رشد اقتصادی متوقف شده، شروع به کاهش شدید کرده به طوری که میانگین رشد موجودی سرمایه در دهه ۹۰ به کمتر از ۱/۸ درصد رسیده است که چشم‌انداز خوبی از اقتصاد را به نمایش نمی‌گذارد.

از نظر نیلی، این شاخص‌ها نشان‌دهنده سختی مسیر برای رسیدن به رشدهای مناسب در آینده است و احتمال رخ دادن رشدهای پایین مانند سناریوی سوم بیشتر است.

### ابرچالش‌های پیش‌بینی شده

مسعود نیلی در این سخنرانی ابرچالش‌های کشور در حال حاضر را بار دیگر مرور و به همگان یادآوری کرد. ابرچالش‌هایی که ذیل سرفصل‌های محیط‌زیست، پولی و بانکی، مالی و بودجه و صندوق‌های بازنشستگی قرار می‌گیرند. نیلی دلیل به وجود آمدن این «ابرچالش‌ها» را برداشت بیش از اندازه از دارایی‌های مالی و طبیعی دانست. مثلاً در بخش تعامل با طبیعت، با مازاد برداشت از جنگل‌ها و مراتع، دهه‌ها بیابان‌زایی، مازاد برداشت آب‌های سطحی و زیرزمینی و مازاد مصرف سوخت‌های فسیلی و پدیده آلودگی هوا رو به رو هستیم. یا در حوزه مالی نیز با مازاد برداشت مواجهم و بانک‌ها وابستگی زیادی به بانک مرکزی پیدا کرده‌اند.

در بحث بودجه با وجود کسری بودجه پایدار هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر، افزایش چشمگیری داشته‌اند. همچنین دخالت دولت در جزئیات و تعیین قیمت و دخالت سیاست در بنگاه‌داری باعث



شده است که علاوه بر مشکل بیکاری مشکل جدی فقر شاغلان نیز به وجود بیاید. بحث صندوق های بازنشستگی نیز هر سال حادث تر از سال قبل می شود. چند سالی است که صندوق ها به بودجه عمومی دولت وابسته هستند و امسال ۸۰ هزار میلیارد تومان از بودجه صرف این صندوق ها می شود. پیش بینی نیلی این است که سال آینده رقم وابستگی به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان می رسد و با توجه به افزایش تعداد بازنشستگان این روند شدیدتر نیز خواهد شد.

از نظر نیلی، ویژگی تمام این ابرچالش ها آن است که هیچ کدام غیرمنتظره نبوده اند و از قبل پیش بینی شده اند. او معتقد است با اینکه ابعاد این مشکلات اکنون بسیار بزرگ شده اما هنوز تبدیل به مسائل غیرقابل حل نشده اند و هنوز فرصت اصلاح آنها وجود دارد. نیلی با استناد به تجربه های گذشته اقتصاد ایران، مشکل اصلی در کشور را «کیفیت سیاست گذاری» دانست و گفت: گلوگاه ضعف نظام کارشناسی نبوده است.

#### مغالطه با عدالت اجتماعی و لیبرال

استاد اقتصاد دانشگاه شریف در واکاوی این مساله، اصل موضوع را طرح این پرسش دانست که «چه ویژگی هایی در نظام سیاست ورزی به صورت تاریخی، مانع از اتخاذ تصمیمات درست اقتصادی شده است؟»

به گفته نیلی، هدف سیاستمدار در هر جای دنیا کسب رضایت مردم است و رضایت مردم هم در هر جای دنیا با مصرف بیشتر و ارزان تر فراهم و این هدف با دو رویکرد افزایش درآمد و کاهش تورم محقق می شود که همان رشد اقتصادی در فضای غیرتورمی است. در این شرایط، چون رشد باید پایدار بماند فشاری بر عوامل زیست محیطی و مالی نمی آید و به نوعی کسب محبوبیت از روش درست آن است. اما راه دوم از نظر این اقتصاددان، عرضه ارزان منابع مالی و طبیعی است که این روش کسب محبوبیت از طریق مصرف منابع است.

طبق تحلیل نیلی، رویکرد اول همواره همراه با ملاحظات بین نسلی است و کمتر برای نسل موجود محبوب است، ولی رویکرد دوم از محبوبیت بیشتری برای نسل موجود برخوردار است. اما در ایران کدام رویکرد را سیاستمداران پیش گرفته اند؟

نیلی در این باره گفت: در کشور ما، سیاستمداران علاقه مند به رویکرد دوم هستند و اسم آن را «عدالت اجتماعی» گذاشته اند و برای اینکه کسی به سمت رویکرد اول نرود، اسم آن را «لیبرال» گذاشته اند.

او ادامه داد: گروه های سیاسی به رغم تقابل جدی که با هم دارند در مسائل اقتصادی همفکرند و توزیع ارزان ذخایر طبیعی و مالی، استفاده از درآمدهای نفتی برای جبران کوتاه مدت و عدم تعادل های مالی رسالت اصلی دولت ها بوده است. این باعث شده است که رقابت های اقتصادی در کشور در حوزه هایی غیر از اقتصاد باشد و این اقتصاد است که در ایران برخلاف کشورهای دیگر سیاست را تغذیه می کند.

#### عدم تدوین شرایط موجود

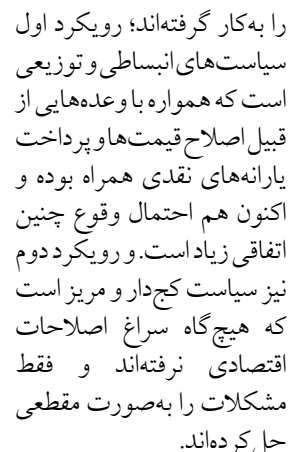
نیلی سخنان خود را با این پرسش ادامه داد: این شرایط و مصرف تاجه زمانی می تواند ادامه پیدا کند؟ او برای پاسخ به این سوال، به مقایسه آمار اوج درآمد و مصرف سرانه در طول ۴ دهه اخیر پرداخت. به گفته نیلی، بالاترین سطح درآمد سرانه کشور بعد از اوجی که در سال ۵۵ داشت، مقدار آن در سال ۹۰ حدود ۷۰ درصد مقدار ثبت شده در سال ۵۵ است اما از آن طرف مقدار مصرف در سال ۹۰ در حدود ۱/۷ برابر مصرف سرانه سال ۵۵ است (درآمد سرانه کشور به قیمت های ثابت به قیمت های ثابت در سال ۵۵ در حدود ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بود و در سال ۹۰ معادل ۲ میلیون ۶۰۰ هزار تومان ثبت شده است). این داده ها نشان می دهند که مقدار برش مصرف از کیک GDP بزرگ تر شده است و برش های دیگر مثل سرمایه گذاری و دولت کوچک تر شده اند.

به گفته نیلی، واضح است که این مصرف نمی تواند ادامه پیدا کند همان طور که در ۱۰ سال گذشته هم مشاهده شده است و سطح رفاه جامعه کاهش پیدا خواهد کرد. بادر نظر گرفتن اینکه اکنون در ظرفیت های زیست محیطی و مالی دچار مشکل هستیم و علاوه بر آن درآمد همیشگی نفت خود را نیز از دست داده ایم و درآمد نفتی به مقدار بسیار پایینی رسیده است، نیلی معتقد است اقتصاد کشور قربانی اصلی قواعد سیاست ورزی کشور شده است و اگر نتوان این مشکل را اصلاح کرد کشور در شرایط سختی قرار خواهد گرفت.

#### سناریوهای احتمالی آینده

مسعود نیلی در آخرین بخش از صحبت های خود به سناریوهای احتمالی آینده و راه های خروج از وضعیت موجود پرداخت. نیلی بانگاهی به عملکرد گذشته سیاستمداران نتیجه گیری کرد که آنها، دوا برای حل مشکلات

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم آذربایجان در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۲۹: «القتصاد مقاومتی» از راه حل دو انگار بزرگ اقتصاد ایران یعنی «انگاری نفت و» و «دویش بودن» برشمرده‌اند. اینکاه از راه حل دیگر است. KHAMENEI این دو انگار بزرگ اقتصاد ایران و از راه‌های حل مشکلات اقتصادی کشور را در اینگونه‌انگاریک «از راه‌های اقتصاد ایران» بر اساس زیادت یا بقدر معطوف انقلاب اسلامی در این دیدار هر روز کرده‌اند.



به گفته این اقتصاددان، رویکرد اول منجر به افزایش ناترازی ها خواهد شد و رویکرد دوم نیز نمی تواند ادامه پیدا کند. از منظر نیلی، روش درست این است که سراغ همان عواملی برویم که این شرایط را به وجود آورده اند و دست به اصلاح آنها بزنیم. ولی نکته اصلی اینجاست که این راه حل جذابیت اجتماعی ندارد و در نتیجه هیچ جریان سیاسی به تنهایی انگیزه‌ای برای این اصلاح اقتصادی ندارد. نیلی شرایط فعلی را به مثال معروف «معمای زندانی» تشبیه کرد، در حقیقت در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که هیچ کس انگیزه‌ای برای خروج از این تعادل بد را ندارد و به نظر کشور نیازمند یک بازنگری در رویکرد سیاسی به اقتصاد است.

از نظر نیلی، آن چیزی که الان برای نجات اقتصاد نیاز است، مطالبه راه‌حل از گروه‌های سیاسی است و اینجا جایی است که رسالت نخبگان است که ابرچالش‌ها را به گفتمان عمومی تبدیل کنیم.



## اثرات تحریم بر اقتصاد ایران

«همان احمدی نژاد که قطع نامه های شورای امنیت را کاغذ پاره ای پیش نمی دانست، موجب شد که اروپا و آمریکا یکدست شوند»؛ این جمله ای است که بهروز هادی زنوز مشاور ارشد اقتصادی درباره اثر تحریم ها و اجماع جهانی علیه ایران بر اقتصاد کشور به زبان می آورد. او در کتاب «تحلیل تحریم های بین المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی در دوره های ۱۳۵۷-۱۳۹۷» به بحث درباره دلایل بروز تحریم ها علیه ایران می پردازد. به بهانه چاپ این کتاب با او به گفت و گو نشستیم.



زنوز بر این باور است که «با دور زدن تحریم ها در بهترین حالت فقط می شود با فقر و گرانی، رکود اقتصادی و از رشد ماندگی ناشی از تحریم ها ساخت. تحریم را دور می زنید یعنی مجبور می شوید نفت را با قیمت ارزان بفروشید. رانت خواران و شبکه های قاچاق فعال می شوند. این فقط زیان اقتصادی اش است. بخش مهمی از جمعیت ما به علت تورم بالا زیر خط فقر می روند؛ اینها را چه کسی جبران می کند؟ اینها زیان رفاهی است. ما در دهه ۹۰ دو بار تحریم شدیم. در واقع یک دهه را از دست داده ایم. متأسفانه در دور جدید تحریم ها دولت آمریکا جلوی همه مجاری قبلی را بر اثر تجربه گرفته است».

می تواند ضامن رشد دراز مدت اقتصادی باشند؛ اما دولتمردان در اکثر موارد چنین نهادهایی را انتخاب نمی کنند. به اعتقاد ما در ایران نیز همین مسائل مطرح است. در یک اقتصاد رانتی مبتنی بر ثروت نفتی، دولت بر فراز طبقات اجتماعی در مقام توزیع کننده رانت اقتصادی ظاهر می شود. این رانت ها گاه به نفع گروه های ذی نفوذ و در مواردی برای جلب رضایت خاطر مردم تهدیدست توزیع می شود. می بینید که در اینجا ما با مسائلی درگیر هستیم که در چارچوب اقتصاد کلان قابل بحث نیست. ضمناً رابطه جمهوری اسلامی با دنیای صنعتی هم در چارچوب مباحث سنت و مدرنیته و تعارضات فرهنگی و فکری قابل بیان است و هم در رابطه با هویت متفاوتی که جمهوری اسلامی می خواهد در نظام جهانی از خود تعریف کند. این مسئله بیشتر تحت تأثیر نگاه ایدئولوژیک ما به جهان است. من به این نتیجه رسیدم که ماهیت تعارض ما با دنیای غرب بر سر مسائل استراتژیک نظامی و اقتصادی و حوزه نفوذ در منطقه خاور میانه است. وقتی این مباحث پیش می آید، مناسبات خارجی در بحث و پایبندی به اصول و قواعد دیپلماسی اهمیت می یابد. تحریم ها ناشی از تعارضات

■ شما مسئله تحریم ها را کاملاً موضوع اقتصاد سیاسی می دانید نه اقتصاد کلان، دلایلتان برای این تأکید چیست؟

در علم اقتصاد کلان، دو دسته از موضوعات بررسی می شود. یکی، رشد دراز مدت اقتصادی که در علم اقتصاد نئوکلاسیکی عوامل اصلی مؤثر بر آن عبارت اند از انباشت سرمایه، نیروی کار، سرمایه انسانی و تکنولوژی. دوم، نوسانات اقتصادی در کوتاه مدت. در اینجا، دوره های رکود و رونق اقتصادی، با توجه به شاخص های تورم و بی کاری مورد بحث قرار می گیرد. اقتصاد کلان ابتدا برای تبیین علل رکود اقتصادی سال های ۱۹۲۹-۱۹۳۲ توسط اقتصاددان نام آور بریتانیایی، جان مینارد کینز بنیان گذاری شد و تا امروز اساساً مربوط به عملکرد اقتصادهای پیشرفته صنعتی بوده است. از این رو فرض اقتصاد کلان این است که چارچوب های نهادی اقتصاد سرمایه داری وجود دارد و سازوکار اقتصاد بازار بر جامعه حاکم است. در این کشورها عموماً دولت های مبتنی بر دموکراسی مستقر هستند و ابزارهای دولت در زمینه مقابله با نوسانات اقتصاد کلان مربوط به اعمال سیاست های پولی، ارزی، مالی و احیاناً سیاست های تجاری می شود. در نحله های فکری مختلف اقتصاد کلان، نواقص بازارهای کالا، کار و بازارهای مالی به رسمیت شناخته می شود.

اقتصاد سیاسی در معنای معاصر خود به روابط میان سیاست و اقتصاد می پردازد. در حالی که نظریه اقتصادی متعارف بر تصمیمات بازار متمرکز است و فرض بنیادین آن این است که تصمیمات بازار به نتایج کارآمد پارویی (PARETO EFFICIENT) می انجامد. در اقتصاد سیاسی به مسائلی پرداخته می شود که تصمیمات داوطلبانه افراد در بازار به نتایج کارآمد نمی انجامد. رویکرد اقتصاد سیاسی می تواند مبتنی بر انتخاب عقلایی یا مبتنی بر قدرت باشد. در رویکرد اول اقتصاددان روی مسائل عمل جمعی افراد متمرکز می شود؛ در چنین رویکردی تحلیل نهادها ضرورت دارد. نظریات مربوط به توسعه نهادها، نمایندگی در بوروکراسی و رانت جویی در نظریه انتخاب عمومی از مهم ترین مباحثی است که در این رویکرد به آن پرداخته می شود.

در رویکرد اقتصاد سیاسی مبتنی بر قدرت، استدلال می شود که نهادها توسط گروه های ذی نفوذ به منظور حفظ منافع خویش به وجود می آیند. به گفته «داگلاس نورث» گرچه نهادهای مناسب



ایدئولوژیک و تعارضات اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی با جهان غرب است. باور و به این مباحث، ناگزیر باید فراتر از اقتصاد کلان گام برداریم و وارد اقتصاد سیاسی شویم که روابط قدرت را از یک سو در میان دولت و مردم در داخل و از سوی دیگر میان دولت‌ها در صحنه بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهد.

■ به نظر شما این امکان وجود داشت که آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از تحریم‌ها کاهش یابد؟ به چه برنامه و سیاست‌هایی قبل از شکل‌گیری تحریم‌ها و در حال حاضر نیاز داریم؟

واقعیت این است که از ابتدا شعار نه شرقی و نه غربی بوده است؛ به این معنا که نظام بین‌المللی را آن‌طور که هست، به رسمیت نمی‌شناختند. در نتیجه دنبال این بودند که یک نظم نوین جهانی، حداقل در حوزه کشورهای اسلامی پدید آورند. با توجه به بدبینی که ما نسبت به نظام جهانی داشتیم، در قانون اساسی جمهوری اسلامی رسیدن به خودکفایی و خودبستگی را مرکز تأکید بنیان‌گذاران بوده است. در بخش کشاورزی نیز تأکید بر خودکفایی همواره از سوی مسئولان جمهوری اسلامی مطرح بوده و همچنین چون در بخش نظامی و خرید تسلیحات همواره کشور با تحریم مواجه بوده، هم‌وغم ما این بوده است که صنایع نظامی مستقل و پیشرفته‌ای را ایجاد کنیم.

با سرمایه‌گذاری خارجی مخالفت کردیم و سرمایه‌گذاری‌هایی را که در گذشته انجام شده بود ملی کردیم. چون به نظام جهانی بدبین بودیم، سعی می‌کردیم رشته‌های پیوند با نظام جهانی را قطع و حتی الامکان محدود کنیم، حتی در دوره بازگان سعی شد اتکا به درآمدهای نفتی کم شود و تولید نفتی ایران که قبل از انقلاب به مرز شش میلیون بشکه در روز رسیده بود، به کمتر از نصف رسید. همه اینها ناشی از نگرانی از وابستگی به غرب بود. در سیاست تجاری هم همواره جمهوری اسلامی تلاش داشته که نگاهی به شرق داشته باشد؛ یعنی تلاش می‌شد تا طرف تجاری ما هند، چین، کره جنوبی، مالزی و کشورهای آسیای جنوب شرقی شوند. به این ترتیب سعی می‌کردیم برای فرار از تحریم‌ها و تبعیض‌های کشورهای اروپایی و ایالات متحده، سیاست‌های شرقی را اتخاذ کنیم. همه چیز در این جهت ساماندهی شده بود که آسیب‌پذیری ما را نسبت به دنیای غرب کاهش دهد. دست‌برقضا دوره‌ای که آقای احمدی‌نژاد سر کار آمد، هم‌زمان با رونق نفتی بود. تز

احمدی‌نژاد این بود که همه پول نفت را باید به اقتصاد تزریق کند تا به قله‌های رفیع سعادت و تعالی برسیم. از این طریق، او وابستگی ایران را به دنیای غرب ناخواسته تشدید کرد. احمدی‌نژاد از یک طرف معتقد بود که آمریکا به سرعت در حال فروپاشی است و از میان خواهد رفت و اقتدارش فرو خواهد پاشید، بنابراین دنیا باید الگوی مدیریت ما را برای خودش در پیش بگیرد. از طرف دیگر چون منابع مالی ناشی از نفت را به اقتصاد تزریق کرده بود و گرایش تورمی در اقتصاد به علت افزایش تقاضای کل ایجاد شده بود، سعی کرد در راه‌های تجارت خارجی را باز کند و هم‌زمان با آن، قیمت دلار را اهرم کند تا جلوی تورم را بگیرد. بنابراین می‌بینید در دوره دولت‌های نهم و دهم که حدوداً ۷۵۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، بخش عمده این درآمد صرف واردات شد. در راه‌های تجارت خارجی باز شدند. صنایع داخلی در اواخر این دوره بر اثر بیماری هلندی روبه‌رکود رفت. همین احمدی‌نژادی که اجماع جهانی را علیه ایران ایجاد کرده بود، منکر هولوکاست شده بود و قطع‌نامه‌های شورای امنیت را کاغذپاره‌ای بیش نمی‌دانست، موجب شد که اروپا و آمریکا یکدست شوند، حتی چین و روسیه احساس تهدید کنند، در شورای امنیت علیه ما قطع‌نامه بگذرانند و اجماع جهانی علیه ایران ایجاد شود و مادر تنگنا قرار بگیریم. در شرایطی در تنگنا قرار گرفتیم که بسیار آسیب‌پذیر شده بودیم. حرف من این است که اگر سیاست مدار بخواد با غرب در بیفتد، در تجارت خارجی اش را روی دنیای غرب باز نمی‌کند که وقتی این درها بسته شد، دچار انقباض و رکود اقتصادی شود. احمدی‌نژاد این ندانم‌کاری را به اوج رساند. با این سیاست، احمدی‌نژاد دولتی به‌جا گذاشت که بسیار آسیب‌پذیر بود. هم استقراض زیادی کرد؛ دولت را به بانک مرکزی، بخش خصوصی، پیمانکاران مشاوران و... مقروض کرد و هم اتکا به تجارت خارجی را افزایش داد و آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را به اوج رساند. اجماع جهانی را علیه ما برانگیخت و خودش گذاشت و رفت. به این ترتیب زمانی که در سال ۹۱ و ۹۲ تحریم‌ها به اوج خود رسید، اقتصاد ایران زمین‌گیر و بارکود و تورم جدی مواجه شد. دو سال پیاپی رشد منفی داشتیم. در سال ۹۳ رشد اندک و در سال ۹۴ رشد منفی داشتیم. تورم شدت گرفت و سال‌های ۹۱ و ۹۲ به ۳۳ درصد و ۳۶ درصد رسید. در آن دوره ارزش پول ملی به شدت تنزل یافت. دولت آقای روحانی که سر کار آمد، به این نتیجه رسید که باید تعامل سازنده با جهان را سیاست خود قرار دهد و با حمایت مقام معظم رهبری به سمت مذاکره و خروج ایران از تحریم رفت.

■ چرا در دوره احمدی‌نژاد با وجود اینکه درآمدهای نفتی بالایی داشتیم، یک دولت مقروض به‌جاماند؟ علتش این بود که دولت احمدی‌نژاد اساساً دولت عوام‌گرایی بود که می‌خواست رضایت مردم را به هر قیمتی جلب کند. او تصور می‌کرد که تزریق پول نفت به اقتصاد ایران شفاف همه دردهای مزمن مردم و کشور خواهد بود. اصرار او به پرداخت یارانه نقدی به مردم، اجرای طرح‌های زودبازده و ایجاد

اشتغال میلیونی در هر سال و اجرای طرح مسکن مهر در مقیاس بزرگ و تعهدات مالی دولت او برای اجرای طرح‌های استانی، بار مالی سنگینی برای بودجه کشور ایجاد کرد. این بی‌انضباطی مالی، بودجه دولت را با کسری‌های بزرگ مواجه کرد و پولی کردن این کسری‌ها، تورم بیشتری به اقتصاد تحمیل کرد. افزایش استقراض دولت از سیستم بانکی و عدم پرداخت بدهی‌های دولت و شرکت‌های دولتی به پیمانکاران و مشاوران نیز منجر به بدهی انباشته بزرگ دولت شد.

## ■ به خودکفایی اشاره کردید. ماسعی کردیم سیاست خودکفایی را در تسلیحات نظامی و محصولات کشاورزی پیاده کنیم. آیا موفق بودیم؟

در صنایع نظامی موفقیت‌های خوبی کسب کرده‌ایم. به خصوص در دهه اخیر، صنایع نظامی ما پیشرفت قابل توجهی داشته است. زیر دریایی‌های کوچکی را راه اندازی کردیم. سیستم پدافند موشکی را تقویت کردیم. موشک‌های دوربرد و میان‌برد را تقویت کردیم. موشک کروزر را در سواحل خود برای دفاع از کشور مستقر کردیم. آمریکایی‌ها هم در گزارشات خود اذعان دارند که صنایع دفاعی ایران پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده است. اخیراً هم می‌دانید که با حضور رئیس جمهور موشک‌های ۳۷۳ که نام آن باور ملی است، رونمایی شد. گفته می‌شود این موشک‌ها به طور هم‌زمان می‌توانند با شش هدف درگیر شوند و مدل ارتقا یافته موشک‌های ضدهوایی اس-۳۰۰ روسی هستند. اینها دستاوردهای بزرگی است.

در مورد کشاورزی باید اذعان کنیم که متأسفانه با ناکامی مواجه بوده‌ایم. در بخش کشاورزی برآورد خود دولت این است که ۵،۱۰ میلیارد دلار نهاده‌های کشاورزی مثل روغن نباتی، علوفه و خوراک دام و طیور، واکسن دامی و... را وارد می‌کنیم. حاصل یارانه‌های بزرگی که به بخش کشاورزی پرداخت کرده‌ایم و کاستی‌هایی که در مدیریت منابع تجدیدپذیر کشور داشته‌ایم منفی بوده است. به این معنی که در این سال‌های جنگل‌های ایران مثل جنگل‌های زاگرس از بین رفتند.

الان بخش مهمی از دشت‌های کشور دچار فرونشست است. اضافه برداشت از دشت‌های مابالای ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال است. سدهای زیادی ایجاد کردیم که با توجه به روندهای خشکسالی این سدها پر نمی‌شوند. به موازات آن کانال‌های زیر سدها را احداث نکردیم و سدهای ما وسیله‌ای برای تبخیر آب و بهره‌برداری برای برق شدند و در کشاورزی استفاده مطلوبی ندارند. در بخش کشاورزی هم در این ۴۰ سال، دو میلیون هکتار اراضی آبی جدید را زیر کشت بردیم. راندمان آبیاری ما حدود ۳۵ درصد بوده و بسیار ناکارآمد است. یارانه آب دادیم. یارانه انرژی دادیم. تغییر کاربری اراضی را کنترل نکردیم، از منابع طبیعی و جنگل‌ها حفاظت نکردیم. حتی منابع آب‌زبان به غارت رفت. مجموع اینها تخریب عظیمی را که از نظر تاریخی بی‌سابقه بود، در بخش منابع طبیعی تجدیدپذیر به وجود آورد. ضمناً اگر دقت کنید، مادر بعضی از سال‌ها در گندم که عمده‌ترین غله‌ای است که کشت می‌کنیم، به خودکفایی می‌رسیم و در بعضی سال‌ها نمی‌رسیم. در سال‌هایی که به خودکفایی می‌رسیم، جشن خودکفایی می‌گیریم. در سال‌هایی که به خودکفایی نمی‌رسیم، بی‌سروصدا واردات داریم.

## ■ ضریب اتکا به خارج در بخش کشاورزی زیاد است؟

بله؛ ضریب اتکا به خارج نسبتاً زیاد است؛ بنابراین نمی‌توانیم بگوییم در بخش کشاورزی خودکفا هستیم. مطالعاتی قبل از انقلاب انجام شده بود. این مطالعات نشان می‌داد عاقلانه نیست که ایران در یک سری محصولات مثل گوشت قرمز به خودکفایی برسد. در حال حاضر مراع ما از بین رفته است. من در دوره بعد از انقلاب چندین سال روی شیلات، منابع طبیعی و آب کار کرده‌ام. اطلاعات موثق دارم که مشکلات خیلی جدی روی اینها داریم. خودکفایی به هر قیمت اصلاً اقتصادی نیست و موجب اتلاف منابع است. به آبیاری تحت فشار و قطره‌ای و کشت گلخانه‌ای توجه لازم را نکرده‌ایم. نشت کانال‌های آبیاری سنتی خیلی بالاست. تبخیر خیلی بالاست و روی اینها کار نکردیم. الگوی کشت ما غلط است. در منطقه‌ای مثل یزد که دچار کمبود آب شدید و به انتقال آب از دیگر حوضه‌ها وابسته است، کاهو، هندوانه و... کشت می‌کنیم. شعار خودکفایی در بخش کشاورزی به یک فاجعه زیست‌محیطی انجامیده و کاملاً شکست خورده است.

در عصری که عصر جهانی شدن است و توسعه صنعتی در گرو ارتباط با بازارهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، خودمان را از اینها محروم کرده‌ایم؛ بنابراین می‌توانم بگویم که وابستگی ما از نوع وابستگی تکنولوژیکی بوده است. صنایع ما عقب مانده است. مصرف انرژی بسیار بالاست و یکی از پر مصرف‌ترین‌ها در جهان به لحاظ انرژی هستیم. یارانه عظیمی هم به انرژی می‌دهیم

که موجب اتلاف منابع است. مادر صنعتی شدن و توسعه اقتصادی هم موفق نبودیم. سرعت رشد مان از کشورهای اسلامی مثل مالزی، ترکیه، امارات و قطر کمتر است. کشورهای مثل چین، هند، مالزی، ترکیه و کره جنوبی در این سال‌ها فاصله‌شان را با درآمد سرانه آمریکا کم کرده‌اند و ما شکاف مان بیشتر شده است. مادر ایجاد اقتصادی که قرار بود نه سرمایه‌داری باشد و نه سوسیالیستی، ناکام بوده‌ایم. در خودکفایی محصولات غذایی شکست خوردیم. در پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک هم کم‌ویش شکست خوردیم. محصولات صنعتی ما کم‌ابیش همه انرژی بر هستند. ما به اینها یارانه می‌دهیم و اینها انرژی مجانی را صادر می‌کنند و به جیب می‌زنند. این به قیمت تاراج منابع ملی است؛ بنابراین سیاست‌های اقتصادی ما نادرست بوده و برگرفته از تجربه جهانی نبوده است؛ مبتنی بر اصول اقتصاد نیست و صرفاً ناشی از نگاه ایدئولوژیک ما به جهان بوده است.

## ■ مهم‌ترین دلایل اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را چه می‌دانید و مهم‌ترین آسیب‌ها در کدام بخش‌ها و زمینه‌ها است؟

به لحاظ تحریم‌ها می‌توان از دو منظر به آن نگاه کرد. یکی تأثیر تحریم‌ها بر رشد درازمدت اقتصادی است که اگر فرصت شد توضیح خواهم داد و دیگری تأثیر تحریم‌ها بر عملکرد اقتصاد در میان‌مدت یعنی در دوره اعمال تحریم‌ها است. در اینجا من به تأثیرات میان‌مدت می‌پردازم. از این نظر بیشتر به تحلیل‌های اقتصاد کلان نزدیک می‌شویم. برای این تحلیل ابتدا باید به تأثیر مستقیم تحریم‌ها بر تولید ملی توجه کنیم. نفت در اقتصاد ملی اهمیت زیادی دارد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی بالاست. فرض کنید اگر در حالت عادی سهم نفت در اقتصاد ملی ۲۰ درصد باشد و تولید نفت کشور بر اثر تحریم به میزان ۵۰ درصد کاهش یابد، تولید ملی به میزان پنج درصد کاهش خواهد یافت. این را می‌توان تأثیر مستقیم تحریم دانست. به محض اینکه صادرات نفت را تحریم می‌کنند، ما مجبور می‌شویم تولید نفت را کاهش دهیم؛ زیرا نمی‌توانیم این تولید را ذخیره‌سازی کنیم. ذخیره‌سازی روی کشتی و انبار حد محدودی دارد. به محض اینکه تولید نفت کاهش می‌یابد؛ چون سهم بزرگی از تولید ملی دارد، جی‌دی‌پی کاهش می‌یابد. در سال ۹۲، تولید ملی ۸۰۶ درصد کاهش یافت که دست کم حدود پنج درصدش مربوط به تحریم نفت بود. این تأثیر



نفتی، قرارداد بویینگ و ایرباس که قرار بود به ایران هواپیما بفروشند، قرارداد بانک‌ها و فعالیت‌های صنعتی، مخابرات و راه‌آهن ایران را ترک می‌کنند و در ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. بر اثر شوک ارزی که وارد می‌شود، نقدینگی از سیستم بانکی خارج و وارد بازارهای مالی می‌شود، بورس و مستغلات و خودرو و طلا و ارز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. سفته‌بازان ارزی وقتی به بازار هجوم می‌آورند، نرخ ارز بالا می‌رود و تنزل ارزش پول ملی ایجاد می‌شود. افزایش نرخ ارز دوباره روی تورم اثر می‌گذارد. مگر اینکه سیاست‌گذار بخواهد کاری کند. در چنین شرایطی سیاست‌گذار مالی و پولی خلع سلاح می‌شود و ابزار مناسب برای سیاست مالی در اختیار ندارد که در نتیجه آن اقتصاد بار کود مواجه می‌شود. در این وضعیت سیاست پولی مغلوب سیاست مالی می‌شود و اوضاع به هم می‌ریزد.

#### ■ دور زدن تحریم‌ها چه هزینه‌هایی برای کشور دارد. بر آوردی از میزان هزینه‌ها دارید؟

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، زیان ناشی از تحریم‌ها در درازمدت به رشد اقتصادی از دست رفته مربوط می‌شود. مادر عرض یک دهه یعنی دهه ۹۰ دو بار با تحریم مواجه شدیم. زیانش این است که در پایان برنامه ششم، تولید سرانه ما کمتر از سال ۹۰ خواهد بود؛ یعنی یک دهه از دست رفته است. در دوره ۹۰ تا ۹۹، سال پایانی برنامه ششم کل تولید ما ۶.۴ درصد در ۱۰ سال افزایش می‌یابد. جمعیت ما ۶.۱۱ درصد افزایش می‌یابد. جمعیت که رشدش بیشتر از تولید باشد، تولید سرانه کاهش می‌یابد. در سال ۹۹، تولید سرانه مردم ما ۲.۶ درصد کمتر از سال ۹۰ می‌شود. در حالی که اگر تحریم‌ها نبودند و فقط به جای رشد هشت درصدی پیش‌بینی شده در برنامه‌های دولت، چهار درصد رشد می‌کردیم، تولید ملی به جای ۴.۶ درصد ۸ درصد رشد می‌کرد. در این مدت درآمد سرانه ما ۶.۲۷ درصد رشد می‌کرد. به این ترتیب، زیان عظیمی ناشی از تحریم ایجاد شده است. از منظر درازمدت، اگر امروز بخش مالی ایران، صنعت نفت و گاز، حمل و نقل هوایی و گردشگری آن عقب‌مانده‌تر از کشورهای همسایه است، این امر اساساً به دلیل تحریم‌های درازمدت آمریکا و دیگر کشورها علیه ایران در دوره بعد از انقلاب است. عدم مشارکت فعال ایران در تجارت جهانی و بهره‌گیری اندک ایران از مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اساساً مربوط به اعمال تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه کشور است. دور زدن تحریم‌ها در بهترین حالت، فقط می‌شود با فقر و گرانی، رکود اقتصادی و از رشد ماندگی ناشی از تحریم‌ها ساخت. تحریم را دور می‌زنید یعنی قاچاق نفت می‌کنید. مجبور می‌شوید نفت را با قیمت ارزان بفروشید. رانت‌خواران و شبکه‌های قاچاق فعال می‌شوند. این فقط زیان اقتصادی اش است. بخش مهمی از جمعیت ما به علت تورم بالا زیر خط فقر می‌روند اینها را چه کسی جبران می‌کند؟ اینها زیان رفاهی است. به تحمیل جنگ و تحریم به اقتصاد مامانجر می‌شود. متأسفانه در دور جدید تحریم‌ها دولت آمریکا جلوی همه مجاری قبلی را بر اثر تجربه گرفته است. در تحریم‌های قبلی ما می‌توانستیم مجاری خاصی پیدا کنیم. اکنون نمی‌توانیم. بی‌دلیل نیست که صادرات نفت به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.

مستقیم است. تأثیرات غیر مستقیم تحریم‌ها از سه کانال اعمال می‌شود. یکی از طریق مالی یعنی از طریق بودجه به این معنا که بودجه ما متکی به نفت است. وقتی درآمدهای نفتی دولت کاهش می‌یابد، بودجه دچار کسری می‌شود. در این وضعیت دولت اول از اعتبارات پروژه‌های عمرانی می‌کاهد؛ یعنی خدمات زیربنایی را محدود می‌کند و این در درازمدت به رشد اقتصادی آسیب می‌زند و در کوتاه‌مدت هم تقاضای سرمایه‌گذاری بخش عمومی کاهش می‌یابد. از آن طرف هم هزینه‌های مصرفی دولت کاهش می‌یابد. هزینه‌های مصرفی دولت هم بخشی از تقاضای کل اقتصاد است که آن هم موجب تشدید رکود می‌شود. بودجه منقبض می‌شود. نسبت بودجه به جی‌دی‌پی کاهش می‌یابد و خود این تقاضای کل را ترمز می‌کند. انباشت سرمایه در بخش عمومی را مختل می‌کند. کسری بودجه هم آثار و تبعات منفی در اقتصاد کلان، بسته به نحوه تأمین مالی آن به جا می‌گذارد. کانال مهم دیگر تأثیر تحریم‌ها تجارت خارجی است. به این معنا که برای انباشت سرمایه نیاز به تجهیزات سرمایه‌ای داریم. بخش تولید تجهیزات سرمایه‌ای در ایران ضعیف است. در نفت بخواهید سرمایه‌گذاری کنید، احتیاج به تکنولوژی خارجی و تجهیزات دارید. در صنایع هم بخواهید سرمایه‌گذاری کنید، تجهیزات سرمایه‌ای می‌خواهید. وقتی تحریم‌ها موجب کاهش عرضه ارز و افزایش قیمت آن می‌شود، واردات برای کالاهای سرمایه‌ای گران و دشوار می‌شود. فضای اقتصادی هم نامساعد می‌شود. انگیزه سرمایه‌گذاری هم کاهش می‌یابد. انباشت سرمایه از این طریق مختل می‌شود. همچنین صنایعی که وابستگی به نهاده‌های وارداتی دارند، برای تولیدشان آسیب می‌بینند. قیمت ارز بالا می‌رود و کالاهای واسطه‌ای کمیاب می‌شود. تولید صنعت خودرو به شدت پایین می‌آید. در تحریم گذشته دیدیم و در تحریم جاری هم اگر آمارهای صنعت خودروی ایران در سال ۹۷ را نگاه کنیم، می‌بینیم که تولید به شدت پایین آمده است. از مجرای تجارت خارجی دو جور آسیب می‌خوریم؛ یکی برای انباشت سرمایه و دیگری برای تأمین نهاده‌هاست. سومین عامل بازارهای مالی است. در قسمت بازارهای مالی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محدود می‌شود. من در کتاب اخیرم فهرست بزرگی از شرکت‌های بزرگ خارجی را که از سرمایه‌گذاری در ایران منصرف شده‌اند، ارائه کرده‌ام. تعداد زیادی قرارداد شرکت‌های بزرگ



## مسیر صادرات را هموار کنید آسیب شناسی وضع عوارض

رحیم نیازی رئیس انجمن ملی سیب زمینی

حساس می شوند و این خود باعث ارتقای کیفیت محصولات داخلی نیز خواهد شد. پس صادرات، ارتقای کیفیت داخلی را به همراه خواهد داشت. بررسی بازارها در کشورهای مختلف نشان می دهد که اقلام مختلفی مربوط به کشورهای مختلف با قیمت های متفاوت، بازارهایی را در اختیار گرفته اند. بازار فروش این کالاها نیز بسیار متفاوت است. همین تفاوت اقلام نشان می دهد مشتری یا همان مصرف کننده، به کیفیت، دوام، زیبایی و سایر ویژگی های کالا، توجه زیادی دارد. از این رو بازی در این زمین برای بازیکنان بسیار سخت خواهد بود. بنابراین با توجه به تاثیرات مثبتی که صادرات بر تولید خواهد داشت، تمایل بر این است که صادرات آزاد باشد. این در حالی است که زمانی که کشور با کمبود کالا مواجه می شود و صادرات، تأمین کالا در داخل را مشکل می کند، تصمیم گیران با تعیین عوارض از نبود کالا در بازار داخلی جلوگیری می کنند. درواقع آنها قصد دارند عرضه و تقاضا در بازار داخلی را با این روش متناسب کنند که البته این امر، ابزاری قانونی برای تأمین مایحتاج داخلی است. اما نباید فراموش کرد که تعیین عوارض مکانیزم خاص خود را دارد. در حال حاضر تشکلهای اقتصادی بخش خصوصی کشور در تصمیم گیری های دولت برای بستن عوارض و سایر تصمیمات اقتصادی دخالت داده نمی شوند. اگر بخواهیم اقتصادی آزاد و رقابتی داشته باشیم، حضور بخش خصوصی در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های دولتی و هماهنگی این دو بخش بسیار ضروری است. تصمیم گیری های خلق الساعه و بدون مشورت خواهی از بخش خصوصی مشکلات عدیده ای را به همراه خواهد داشت. در مقابل، همکاری دولت با بخش خصوصی و همراهی در تصمیم گیری ها، نتیجه مثبتی به همراه خواهد داشت و ادامه فعالیت اقتصادی را منطقی تر می کند.

با توجه به اینکه اغلب، محصولات کشاورزی با محدودیت در صادرات مواجه می شوند، جا دارد به چند نکته در این باره اشاره شود. ایران از کشورهای ریسک پذیر در بحث کشاورزی است. حال آنکه با این شرایط هم کشاورزان ایرانی همچنان محصولات کشاورزی را تولید می کنند. اما مصرف کننده همچنان ناراضی است. متأسفانه واسطه گری در کشور به خصوص در این بخش موضوعی پررنگ است. در واقع حضور این واسطه هاست که در قیمت نهایی برای مصرف کننده تاثیر گذار است. به همین دلیل قیمت های عمده فروشی و خرده فروشی تفاوت فاحشی با هم دارد. این موضوع هم به ضرر مصرف کننده است و هم کشاورز را متضرر می کند. در جامعه باب شده که می گویند، اگر محصول کشاورزی گران شده، باید کشاورز آن را ارزان کند. این در حالی است که قیمت محصولات باید به گونه ای از سوی کشاورز تعیین شود که او هم بتواند تولید خود را ادامه دهد. مشکل گرانی قیمت محصولات کشاورزی به کشاورز باز نمی گردد. مشکل از عمده فروشی سازمان میادین تا خرده فروشی بروز می کند. در

مسیر صادرات باید همیشه باز باشد و هر جا کشور با کمبود کالایی مواجه شد، از طریق واردات آن کالا را تأمین کند. قیمت ها نیز باید با بازارهای هدف همخوانی داشته باشند. غیر متعادل بودن قیمت ها، منجر به ارزان فروشی و به تبع آن، صادرات غیر مجاز و بی رویه و گاه غیر قانونی می شود.

به طور طبیعی سیاست ممنوعیت صادرات در برخی موارد خاص اعمال می شود. معمولاً برای صدور کالاهایی که برای تهیه آن ها در داخل با مشکل مواجه باشیم، دولت ناچار است عوارض تعیین کند. اما در مجموع، سیاست اقتصادی کشور در بخش کشاورزی در گرو مجاز بودن صادرات تمام کالاها است. در این راستا وضع هر گونه محدودیت و مانعی برای صادرات آسیب شمرده می شود. چنانچه این موانع وجود نداشته باشد، هم می توان در بازارهای دنیا حضور پیدا کرد و هم می توان ارز وارد کشور کرد. باید توجه داشت که توسعه صادرات باعث به روز رسانی تأمین و تولید کالا و ارتقای کیفیت آن با استانداردهای جهانی می شود. در مقابل، حضور کالای ایرانی در بازارهای جهانی بدون در نظر گرفتن کیفیت محصول ارائه شده، منجر به از دست دادن بازار می شود که برای تولید کننده و صادر کننده جز زیان عایدی دیگری ندارد.

از این رو هم زمان با توسعه صادرات، صادر کنندگان بر کیفیت محصول صادراتی

## لایحه قانون تجارت را شتاب زده بررسی

نکنیم



سجاد طاهری، کارشناس حقوقی

قانون تجارت به دلیل اهمیت و تخصصی بودن مواد آن، باید به دور از هر نوع شتابزدگی و با دریافت نظرات کارشناسان اقتصادی از جمله اتاق بازرگانی بررسی شود.

قانون تجارت ایران مهم‌ترین مجموعه مدون از قوانین مربوط به امور بازرگانی است که اساس حقوق تجارت کشور را تشکیل می‌دهد. این قانون بر مبنای قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه و در سیزدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ در ۶۰۰ ماده تصویب شده است و به جز در مورد شرکت‌های سهامی و برخی مقررات مربوط به دلالتی و ورشکستگی بقیه مقررات این قانون به قوت خود باقی است.

مدتی است فرآیند تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت در مجلس شورای اسلامی در جریان است و موادی از این قانون به تصویب رسیده است. یکی از موادی که به تازگی به تصویب رسید ماده (۵) این قانون است که باید پیامدهای حقوقی آن را به دقت بررسی کرد. اما ماده (۵) اصلاحیه قانون تجارت چه می‌گوید؟ براساس این ماده «انعقاد قرارداد، ابراز اراده یا هر عمل دیگر مرتبط با قرارداد و اثبات آن‌ها نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست و این امور به هر وسیله از جمله شهادت شهود قابل اثبات است». زمانی که از عبارت «نیازمند هیچ تشریفات خاصی نیست» استفاده می‌شود، یعنی حذف نظارت حاکمیت بر قراردادهای تجاری و غیرتجاری و پیامد آن علاوه بر از بین بردن امکان شفافیت و نظارت‌پذیری در قراردادهای بی اعتباری بسیاری از مواد مهم قانون تجارت و قانون ثبت است که روابط حقوقی بین اشخاص مشخص می‌کند. برای مثال ماده ۴۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر می‌کند: «انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال‌دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند... هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است». این ماده و مواد متعددی از قانون تجارت که حکمی مشابه این ماده دارند همگی در قسمتی که قرارداد عادی اشخاص را در برابر اشخاص ثالث غیر قابل استناد می‌داند تخصیص خورده و ماهیتاً باطل می‌شوند.

وجود عبارت «به هر وسیله از جمله شهادت شهود قابل اثبات است» می‌تواند زمینه کلاهبرداری را در کشور تسهیل کند چرا که شهادت برای اثبات دعاوی مفسده انگیز است. پیامد اصلی این نوع قاعده گذاری‌ها، رونق شهادت‌فروشی در محاکم خواهد بود. پیش‌بینی‌پذیری اجرای قراردادهای کاهش پیدا می‌کند و ریسک تعاملات اقتصادی بیشتر می‌شود. تزلزل حقوق مالکیت در کشور به معنای نابودی اقتصاد کشور است.

بهرتر است به جای شتابزدگی و تصویب یک قانون پر از اشکال که می‌تواند زمینه بروز مشکلات متعدد اقتصادی برای کشور را فراهم کند، با توجه به اهمیت زایدالوصف موضوع، تصویب قانون را متوقف کرده و آن را به کمیسیون‌های تخصصی مربوطه برگردانند. این قانون به دلیل اهمیت و تخصصی بودن مواد آن، باید به دور از هر نوع شتابزدگی و با دریافت نظرات کارشناسان اقتصادی از جمله اتاق بازرگانی بررسی شود. نکته مهم دیگر اینکه لایحه تجارت باید متناسب با نیازهای روز کشور بازبینی شود.

این پروسه چندروزه، گاه افزایش قیمت صادرصد را شاهد هستیم. این نوع تنظیم بازار، به دلیل عدم نظارت کافی دولت بر قیمت‌ها است. وزارت صمت و سازمان بازرسی کنترل بر قیمت‌های خرده‌فروشی در بازار ندارند.

یکی از محصولات که با ممنوعیت صادرات مواجه شده بود، در سیب‌زمینی بود. ممنوعیت صادرات سیب‌زمینی تبعاتی را به همراه داشت. اول آنکه سیب‌زمینی روی دست کشاورزان ماند و به دلیل ازدیاد تولید، این محصول که اتفاقاً ماندگاری بسیار کمی در فصول گرم دارد، خساراتی را برای کشاورزان به همراه داشت. دوم آنکه صادرکننده بازاری را که به دست آورده است، با وضع این ممنوعیت، به راحتی از دست می‌دهد و این اتفاق در خصوص سیب‌زمینی نیز رخ داد. صادرکننده نماینده کشور است و اگر نتواند محصول بازار هدف را تأمین کند، اعتبار کشور نیز از بین می‌رود. از این بابت کشور نیز آسیب می‌بیند. بنابراین عدم صادرات، صادرکننده و تولیدکننده را متضرر می‌کند، محصول را زایل کرده و تنش‌هایی برای دولت به همراه دارد. مسیر صادرات باید همیشه باز باشد و هر جا کشور با کمبود کالایی مواجه شد، از طریق واردات آن کالا را تأمین کند. قیمت‌ها نیز باید با بازارهای هدف همخوانی داشته باشد. غیرمتعادل بودن قیمت‌ها، منجر به ارزان‌فروشی و به تبع آن، صادرات غیرمجاز و بی‌رویه و گاه غیرقانونی می‌شود. از این رو، باید تعادل قیمت در داخل و خارج از ایران در نظر گرفته شود. / آینده نگر



## افق بازار در نیمه دوم ۹۸

مروری بر وضعیت بازار در نیمه اول سال ۹۸  
و چشم انداز نیمه دوم سال از منظر  
هزینه خانوار و سرمایه گذاری

جواد غیائی

محدوده فعلی را افزایش دهد». فارغ از یک رشد در اردیبهشت ماه، همین اتفاق افتاد و بازار ارز کنترل شد و به ثبات رسید. در نهایت توصیه این بود که «با توجه به احتمال افت نرخ‌ها تا محدوده نرخ نیمه، ریسک این بازار هم بسیار بالاست».

طلا را، به خاطر تنش‌های ناشی از جنگ تجاری، مستقل تحلیل کردیم اما آینده آن را جذاب نیافتیم. به نحوی که حتی با رشد قیمت جهانی (در اثر تنش‌ها) بازدهی طلا در داخل محدود (بسیار کمتر از سقف ۳۸ درصدی متصور برای جهش طلای جهانی) خواهد بود. تنش‌ها طلای جهانی را بالا برد اما افت نرخ ارز و تخلیه حباب طلا، مانع از رشد قیمت طلا در بازار داخل شد. درباره بازار مسکن تیتروزدیم: «بازار مسکن؛ رکود، اشباع قیمتی و دیگر هیچ» در اردیبهشت ماه یک رشد قیمتی داشتیم اما بعد از آن هر ماه که گذشت بر عمق رکود افزوده شد، حجم معاملات کم شد و به تازگی روند قیمت‌ها هم معکوس شده است. اما درباره بورس، چشم انداز بهتری را قائل شدیم و برای برخی تک سهم‌ها پیشنهاد ورود داشتیم. البته فکرش را هم نمی‌کردیم که بورس این چنین جهشی، یکدست و سراسری رشد کند اما شد و بورسی که انتظار می‌رفت شاگرد اول بازارها در سال ۹۸ باشد، با اختلاف بسیار زیاد، شاگرد اول شد. نمودار شماره ۲ روند بازدهی بازارها در نیمه نخست سال را نشان می‌دهد اما برای نیمه دوم هم، می‌توان چنین تصویری داشت؟

### دو روی سکه بورس در نیمه دوم سال

بورس اگرچه در نیمه اول سال عملکردی درخشان داشت و با وجود ریزش چهارشنبه گذشته حدود ۶۵ درصد (براساس شاخص کل) بازدهی داده است اما بدون شک، در نیمه دوم سال شرایطی متفاوت خواهد داشت. سهام آن قدر رشد کرده است که دیگر محرکی قوی برای رشد سراسری ندارد. البته همچنان بخشی از بازار هست که مشروط به برخی تبصره‌ها توان رشد و بازدهی مناسب دارد اما این موضوع نمی‌تواند همه بازار را در بر گیرد اما آن بخش بازار کدام است و این شرایط چه هستند؟

### بازارهای جهانی و سه مسئله «رکود» و «جنگ تجاری» و «نفت»

شرکت‌های بزرگ صادراتی، امسال بسیار کمتر از شرکت‌های کوچک رشد کردند. هراس بازار از جنگ تجاری و وقوع رکود در اقتصاد جهانی، مهم‌ترین علت این موضوع بود. به همین دلیل سهام شرکت‌هایی مثل فولاد مبارکه، ملی مس، کاوه (و بسیاری دیگر از سهام شرکت‌های فلزی-فولادی)، شپنا و شبریز (و سایر پالایشگاهی‌ها) و برخی سهم‌های پتروشیمی و معدنی، بسیار کمتر از چشم انداز سودآوری خود رشد کرده‌اند. البته قیمت‌های فعلی، خیلی هم ارزان نیست اما طبق این فرضیه که مذاکرات تجاری خوب پیش می‌رود، رکود شدیدی در راه نیست، نفت سقوط نمی‌کند و در مجموع وضعیت بازار جهانی رو به راه شده و قیمت‌ها افت نمی‌کند، این شرکت‌ها ارزان‌اند. پیشتر در صفحه بورس دخل و خرج درباره مختصات این شرکت‌ها نوشته‌ایم و از این به بعد نیز خواهیم نوشت. در این جا آن چه مهم است این که وضعیت بازارهای

در آستانه ورود به نیمه دوم سال هستیم و بناست یک چشم انداز از بازارها در نیمه دوم سال ارائه کنیم. قبل از آن بهتر است که نگاهی به گذشته بیندازیم و ببینیم که چه فکر می‌کردیم و چه شد؟! مرور گذشته، چراغ راه آینده است. به این منظور، مطلب تحلیلی دخل و خرج در ابتدای امسال را مبنا قرار می‌دهیم و توضیح می‌دهیم که چه چشم اندازی برای بازارهای مختلف قائل بودیم و چه شد و در نیمه دوم سال ۹۸ چه چشم اندازهایی وجود دارد.

### مروری بر پیش بینی هایمان برای ۹۸ در نیمه راه

اگر خاطرتان باشد در مطلب ابتدای سال ضمن تبیین وضعیت تورم (هزینه خانوار) نگاهی هم به بازارهای مختلف انداختیم و گزینه‌های مختلف برای سرمایه گذاری را توصیف کردیم. از جمله: درباره تورم، تحلیل این بود که اثر تلاطم ارزی، تا نیمه سال تخلیه شود. معکوس شدن روند تورم نقطه به نقطه و کاهش شدید تورم ماهانه، در نمودار نخست، نشان می‌دهد که این پیش بینی در مجموع درست بوده است. قیمت‌ها رشد کرده اما جهش قیمتی نداشتیم.

### نمودار تورم نقطه به نقطه

درباره ارز نوشتیم که «افزایش تعاملات با کشورهای همسایه و همچنین راه اندازی مجدد کانال‌های دور زدن تحریم و از همه مهم‌تر، منطقی شدن سیاست‌های ارزی دولت و بانک مرکزی نسبت به سال ۹۷، می‌تواند شرایط سخت درآمد نفتی و نبود توازن ارزی کشور را رفع کند و احتمال ثبات نرخ ارز در



این که تنش سیاسی دیگری بتواند ارز را دچار نوسان کند بسیار کم است. ضمن آن که دشمنان نیز، کارت دیگری برای فشار علیه کشورمان ندارند و صرفاً به اقدامات نمادین دست می زنند. از منظر اقتصادی نیز، تنها موضوع نگران کننده، کاهش فروش نفت کشورمان است که می تواند اثر بلندمدت داشته باشد اما برخی معتقدند که فروش نفت به صورت غیررسمی با مقدار مناسب انجام می شود. ضمناً تراز تجاری غیرنفتی هم مثبت است و سیاست های ارزی دولت و بانک مرکزی هم بسیار معقول تر از سال قبل است.

در این شرایط، بهترین پیش بینی برای نرخ ارز، ثبات در کانال ۱۱ است. اگرچه احتمال افت تا کانال نرخ ارز، در صورت توافق با اروپا و گشایش های اعتباری وجود دارد.

#### بازارهای کالایی

اما توجه داشته باشید که همه بازارهای سرمایه گذاری در کشور، ارز و طلا و سهام نیست. هر کسب و کار یا کالایی می تواند گزینه سرمایه گذاری باشد؛ از تیر آهن تا زیره یا پسته! شاید به نظرتان این پیشنهاد نامعقول باشد. چرا که نگهداری حضور در کسب و کارها نیازمند تخصص و صرف زمان است و خرید برخی کالاها هم نیاز به زیرساخت های انبارداری و آشنایی با آن بازار و ... دارد. این توضیحات منطقی است اما با لحاظ گسترش بازارهای کالایی در بورس کالا و انرژی، این مشکل رفع می شود. چنان چه پیشتر هم گفتیم، هم اکنون امکان معامله گواهی سپرده (حواله) کالاهایی چون طلا، زیره و زعفران و انواع اوراق مالی روی دارایی های دیگر وجود دارد. به این ترتیب که دارایی در انبار است و حواله آن در بورس معامله می شود بدون آن که نیاز به انبارداری و ... باشد. البته ذکر مسئله آشنایی با بازارها و روندهای این کالاها به جای خود هست و در صورت تمایل باید درباره آن تحقیق و از مراجع مطمئن استفاده کنید و روندهای قیمتی را دریابید. مثلاً هم اکنون زیره در بورس بعد از یک دوره افت در حال رشد است و زعفران در آستانه فصل برداشت در حوضیض قیمتی قرار دارد و بعد از آن می تواند رشد کند. صرف وقت و کسب آشنایی، هزینه ای است که باید برای متنوع کردن سبد سرمایه گذاری خود بدهید. در این صورت می توانید از مزایای آن استفاده کنید.

ادامه در صفحه ۲۴

جهانی برای سودآوری بخش جامانده بورس، اهمیت حیاتی دارد.

#### مسئله شاخص کل و آثار روانی آن

درباره بورس و این که سهام شرکت های بزرگ، مستعد ریزش شدید و ادامه دار نیست، یک وضعیت مبهم و یک روزنه امید ایجاد کرده است. معمولاً سهام شرکت های بزرگ بر شاخص کل اثر بسیار بیشتری دارد. شاخص کل هم اثر روانی بر همه بازار دارد. در این شرایط یک فرضیه ضعیف اما قابل طرح این است که با احیای سهام شرکت های بزرگ، تثبیت و در نهایت رشد آن ها، فضای مثبت غلبه کرده و با توجه به نقدینگی زیاد در بازار از سهام شرکت های کوچک نیز حمایت شود. نبود هیچ چشم اندازی در بازارهای موازی (مسکن، خودرو و ...) نیز این سناریو را تقویت می کند.

#### بازار ارز و عبور از گردنه های مهم

اما از بورس که بگذریم، چشم انداز سایر بازارها هم مهم است. حتی این نکته نیز ضروری است که وضعیت سایر بازارها بر بورس موثر است. مهم ترین بازار، از منظر بنیادین و روانی، بازار ارز است. بعید است که بدون رشد یا ریزش ارز، نوسانی در دیگر بازارها به جز بورس داشته باشیم. درباره ارز نیز، این روزها همه به این تحلیل و جمع بندی رسیده اند که نرخ تثبیت شده، بانک مرکزی بر اوضاع مسلط است و اخبار سیاسی منفی هم نمی تواند بر این بازار اثر بگذارد. دلیل جدی در این خصوص آن است که بازار ارز، به خصوص در تابستان امسال، هر نوع تنش سیاسی را دیده اما تکان نخورده است؛ از انهدام پهلپاد آمریکایی (که در هر شرایط دیگری می توانست بازار را جهش دهد) تا توقف معافیت تحریمی خرید نفت کشورمان و تحریم سپاه. وقتی بازار از این گردنه ها گذشته و مدیریت شده است، احتمال



## فرش ایرانی، نیازمند توجه

فرش دستباف ریشه در فرهنگ بومی ما ایرانیان دارد، هنری که که با کار و درآمد توأم است و زمانی نه چندان دور در بازارهای جهانی جایگاه ویژه‌ای داشت. اما اکنون فرشبافی این هنر زیبا و اصیل در ایران کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و شاهد اضمحلال و پس‌گرد این هنر و آلا هستیم.

هخامنشیان است. علاوه بر این برخی مورخان یونانی و رومی از صدور قالی و قالیچه بافت ایران در دوران اشکانیان به سایر کشورها به ویژه روم و چین خبر داده‌اند و کاوش‌های صورت گرفته حکایت از اصالت تاریخی فرش ایرانی در دوران حکومت ساسانیان دارد.

وی با بیان این که فرش از دو منظر قابل بررسی و اهمیت است، افزود: یکی بعد هنری و دیگری صنعتی و تجاری؛ بعد هنری فرش نهفته در نقشه و رنگ آمیزی آن است. بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد، پسند اولیه فرش توسط مردم و خرید آن همواره بر اساس نقشه و رنگ بوده است. علاوه بر این در خرید فرش‌های قیمتی، شمارش رج‌ها نیز نقشی داشته است. در صنعت قالی‌بافی ایران تنوع و

الهام شکیبائی، کارشناس صنایع دستی و مدرس فرشبافی که هنوز با ذوق و شوق به تولید و تدریس این هنر مشغول است با ما به گفت و گو نشست. وی گفت: چندین رشته را مانند حجم‌بافی، رفوگری، رنگریزی، تصویربافی، گلیم‌بافی را آموزش دیده‌ام و ۱۶ سال است که به هنر مشغول و در حال حاضر تعدادی هنرجو دارم.

شکیبائی با بیان این که رشته‌های تصویربافی و حجم‌بافی را به پایان رسانده است افزود: با نخ‌های مرینوس و رنگ‌های طبیعی و شیمیایی سعی می‌کنم بهترین‌ها را خلق کنم.

وی با بیان این که در کنار آرامش، صبر و تلاش زیادی برای موفقیت در این رشته لازم است، خاطر نشان ساخت: قالی‌بافی آفریده پر نقش و نگار است که ره‌آورد زندگی زنان و مردان پر تلاش است. در این دست‌بافته‌ها راه و رسم کهن به وسیله نگاره‌ها و رنگ‌ها ممزوج شده و دنیای فرش آفرینش می‌یابد. دست‌یافته‌های گره‌خورده با عشق که قالی ایرانی نام دارد. فرش‌بافی دو نوع گره دارد، یکی (خفت) که فارس‌ها آن را یک گره می‌نامند و بافت ترکی که دو گره است. بافت فرش چه به صورت گره ترکی و چه فارسی دارای زیبایی و دقتی است که نسل به نسل به یادگار انتقال یافته است. رنگ‌ریزی، رفوگری، تصویربافی، گلیم‌بافی و... از نظر طرح و نقشه و شیوه‌های بافت در واقع جلوه‌گر هنری است که در تمام رج‌های فرش و رنگ‌های زیبا خود فرق می‌کند و من تلاش می‌کنم از تار و پود آن بالا روم.

شکیبائی افزود: بافت فرش و دست‌بافته‌های قالی‌های ایرانی در شهر و روستاهای مختلف زیبایی خود را جلوه‌گر می‌سازند. تنها عشق و علاقه می‌تواند، راوی طرح و نقش و رنگ‌های چشم‌نواز آن باشد. هنری که نقش مهمی در چرخش اقتصادی زندگی هنرمندان نیز داشته است. سابقه فرش ایرانی از دوران حکومت





سمت و سوا اقتصاد ایران در سال آینده میلادی

مرکز آماری آخرین گزارش ایران نشان می دهد که تولید ناخالص داخلی ایران در سه ماهه نخست سال مالی گذشته (۲۱ مارس - دسامبر ۲۰۱۸) در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، شاهد کاهش ۳۸٪ بوده است، رشد اقتصادی هم در این سال به استثنای تولید نفت، ۹/۱٪ بود. شکاف بخشی از نرخ رشد در گزارش نشان می دهد که تنها بخش خدمات در این مدت رشد ۰.۶٪ در طول دوره را تجربه کرده است. عملکرد ضعیف اقتصاد را باید به تجدید تحریم های سال گذشته توسط ایالات متحده مرتبط دانست چرا که افزایش رشد اقتصادی و کاهش تحریم با وجود تحریم کاری دشوار و تا اندازه ای غیر ممکن است، البته ناگفته نماند که ایران در نیمه دوم سال توانست از پس کنترل نرخ ارز به خوبی برآید.

دور اول تحریم های تجدید شده ایالات متحده که در ۷ آگوست ۲۰۱۸ دوباره اعمال شد، خرید دلار آمریکا و فلزات گرانبهای ایران را ممنوع کرد و در مراحل بعد نفت و گاز ایران مشمول تحریم ها گردید.

صندوق بین المللی پول نیز پیش بینی کرده که سال آینده شاهد رشد نزدیک به ۱ درصدی در اقتصاد ایران باشیم. گزارش این صندوق چند روز پس از آنکه بانک جهانی تخمین های رشد اقتصادی و پیش بینی های اقتصادی ایران را در گزارش جدید منتشر کرد، انتشار یافت و تا حدی بر آن صحنه گذاشت.

بانک جهانی چندی پیش گزارشی را منتشر کرد که در تخمین ها و پیش بینی های روشنی در مورد افزایش رشد اقتصادی ایران در سال آینده میلادی به چشم نمی خورد.

به گزارش نو اندیش، فایننشال تریبون با انتشار گزارش چندی پیش بانک جهانی از چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ نوشت: در جدیدترین گزارش چشم انداز اقتصادی جهانی که در ماه ژوئن منتشر شد، بانک جهانی پیش بینی می کند تولید ناخالص داخلی ایران پس از تجربه ۹/۱- درصدی در سال ۲۰۱۸، در پایان سال جاری میلادی سیر صعودی بگیرد.

پیش بینی های سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در ۰.۹٪ و ۱٪ است که نشان دهنده اختلاف ۰.۲٪ و ۰.۱٪ در مقایسه با گزارش ژانویه این بانک است.

در این گزارش آمده است: ایران اگر چه با تحریم های سفت و سختی دست و پنجه نرم می کند و اثر آن ها به اوج خود رسیده، اما پیش بینی می شود از سال آینده مجدداً رشد اقتصادی با شیب اندکی از سر گرفته شود.

بر اساس این گزارش، تورم ایران (سال به سال) به شدت از حدود ۱۰٪ در اواسط سال ۲۰۱۸ به حدود ۵۲٪ در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است، که با کاهش ارزش ریال در بازار موازی بیش از دو برابر در مقایسه با سطوح قبل از اعلام تحریم های آمریکا در آوریل ۲۰۱۸ بوده است.

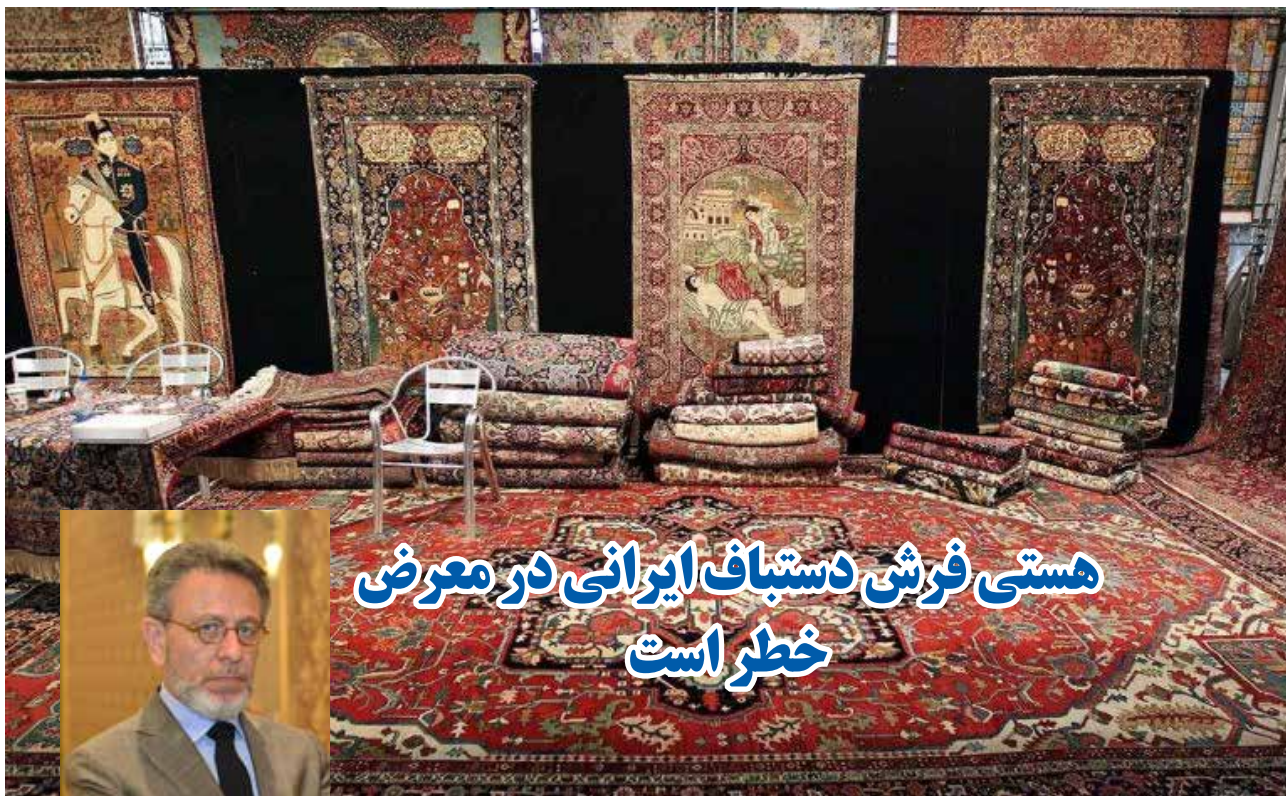
در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه افزایش بیشتر تنش های آمریکا و ایران می تواند تأثیرات اقتصادی هم داشته باشد، آمده: همانطور که گفته شد انتظار می رود رشد در ایران در سال های ۲۰۲۰ تا ۲۱ با نرخ ضعیف، از سر گرفته شود.

زیبایی در طرح و رنگ های بکار رفته را در آثار مختلف شاهد هستیم، که از ویژگی های اصلی و اصیل فرش و هنر ایرانی به شمار می رود. نقشه فرش شاه عباسی - اسلیمی - درختی - افشان از نمونه نقش های بی نظیری است که فرش ایرانی را جهانی ساخته است.

این مدرس فرش با بیانی این که در حال حاضر فرش ایرانی آنگونه که شایسته اش است، ارزش گذاری واقعی نمی شود و برای سنتی باف ها ارزشی قایل نمی شوند، تأکید کرد: از طرفی از نقوش اصیل و به نام ایرانی چندان استفاده نمی گردد و اگر هم بافته شود به دلیل گران بودن، محصول فرش خریدار زیادی ندارد، ای کاش به هنرهای اصیل ایرانی بیشتر توجه می شد. در این شرایط بسیاری از کارگاه ها تعطیل شده اند و به دلیل هزینه های بالا امکان احداث کارگاه نیز کمتر وجود دارد.

شکیبایی سپس در واکنش به اهمیت کمی که مسئولان به این هنر ارزنده می دهند، گفت: «فرش بافی یک هنر اصیل ایرانی است، ولی متأسفانه به نظر می رسد در این سال ها این هنر تا حدود زیادی به فراموشی رفته است و کسی قدر آن را نمی داند و توجهی بدان نمی شود. از طرفی گرانی های اخیر به این صنعت هم ضربه وارد کرده است چرا که از یک سو هزینه رنگرزی بالا رفته است و از طرفی قیمت نخ ولی در مقابل قیمت خرید فرش دست باف جهش آنچنانی نداشته است. این فقط یک هنر نیست، این هنری است که بیانگر آداب و رسم و رسومات و فرهنگ ماست و به نظر من شایسته نیست با این هنر به این شکل برخورد شود. مسئولان باید به توسعه این هنر فکر کنند و به دنبال راهکاری باشند تا از کسانی که در این حوزه فعالیت دارند، حمایت کنند.»

و اما شکیبایی به عنوان نکته پایانی درباره بافت فرش به صورت دستی گفت: «کار بافت فرش، عشق می خواهد. کسی که با عشق به سمت این کار برود از تهیه نخ گرفته تا رنگرزی و رفو و ... موفق خواهد بود، چرا که کار فرش و بافت آن عشق ورزی به هنر است.»



سیدرضی حاجی آقامیری،  
عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

## هستی فرش دستباف ایرانی در معرض خطر است

صادرات فرش را نمی توان مشابه صادرات دیگر کالاها دانست. تفاوت های ماهوی بین فرش و دیگر کالاها باعث تفاوت در صادرات آن هاست.

اول، صادرات فرش همیشه به معنای صادرات قطعی نیست. در بسیاری از موارد، فرش از ایران خارج شده و به انباری در کشور دیگر منتقل می شود. یعنی یا به طور امانی در انبار مشتری می ماند یا انبار متعلق به خود صادر کننده در کشور هدف صادراتی است و باید ماه ها و شاید سال ها پس از آن به تدریج به فروش برسد. این در حالی است که وقتی از صادرات دیگر کالاها حرف می زنیم، یعنی صادرات قطعی کالا و اینکه صادر کننده کالایی را می فروشد که دیگر باز نمی گردد و خریدار آن را پس از خرید مصرف می کند.

دوم، فرش یک کالای فاسدشدنی و مصرفی نیست که پس از خروج از ایران مصرف شود یا به کالای دیگری تبدیل شود. فرش همیشه ماهیت اولیه خود را حفظ می کند و ممکن است خریداری که آن را خریده پس از سال ها بفروشد و دوباره به کشور دیگری صادر شده یا به ایران باز گردد. بنابراین زمانی که از چرایی افت صادرات فرش یا دلایل رونق آن صحبت می کنیم، باید به نکاتی از این دست که البته اینجا به طور خلاصه مطرح شد، توجه داشته باشیم.

### چرا فرش دستباف ایرانی کمتر صادر می شود؟

اکنون سؤال این است که چرا صادرات فرش دستباف ایرانی در دهه ۷۰ بیش از یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بوده و اکنون به کمتر از ۴۰۰ میلیون دلار رسیده است؟ برای پاسخ باید دلایل رونق صادرات فرش در سال های دهه ۷۰ را بررسی کرد. بخشی از رونق صادرات فرش در آن سال ها به دلیل قوانین تجاری حاکم در آن زمان بود. دولت در آن دهه واردات را مشروط به صادرات کرده بود. بعضی شرکت های زیرمجموعه نهادهای شبه دولتی و دولتی برای دریافت مجوز واردات، کالاهایی از جمله فرش دستباف را حتی با قیمتی بالاتر از قیمت بازار در ایران می خریدند و در خارج از کشور صرفاً برای تبدیل به ارز و دریافت مجوز واردات در مواردی که کم هم نبود، به قیمت ارزان تر می فروختند. این موضوع زمینه رشد قابل توجه صادرات فرش را فراهم و در ضمن عرصه کار برای بخش خصوصی که از امکانات آن شرکت ها محروم بودند را هم تنگ کرده بود.

زمانی که این وضعیت تغییر کرد، صادرات فرش به تدریج کمتر شد. قوانین تغییر کرد و اثر گذاری دو عامل دیگر به کاهش صادرات فرش دستباف ایرانی دامن زد. عامل اول، تشدید رقابت و عامل دوم، عدم حمایت دولت از صادرات فرش بود. به دلیل رقابت تنگاتنگ با دیگر کشورهای تولید کننده فرش،

تقاضای مشتریان فرش دستباف ایرانی کاهش یافت و از سوی دیگر دولت به توسعه صادرات فرش دستباف ایرانی کمک نکرد و البته اکنون هم کمکی نمی کند.

به این ترتیب بازار فرش دستباف ایرانی به رقبا واگذار شد. در این بین عوامل محدود کننده دیگری هم ایجاد شد. از جمله اینکه ایرانیان مهاجر به آمریکا، نقشه ها و تکنولوژی بافت فرش ایرانی را به هند و پاکستان و چین و ترکیه و... بردند و در این کشورها فرش با مشخصات فرش ایرانی تولید کردند. نتیجه این کنش پیدایش فرش هایی بود که امروز به رقبای جدی فرش ایرانی تبدیل شدند.

محدودیت های تولید و صادرات فرش دستباف ایرانی از دهه ۷۰ تا امروز پایدار بوده است. پیمان ارزی و نوسانات ارزی حاصل از کنترل آن توسط دولت از دیگر عوامل محدود کننده است اما در این بین گفتن از اینکه سنتی بودن تولید یا تجارت فرش در ایران مانع توسعه صادرات آن شده، انداختن تقصیر به گردن دیگران است. واقعیت این است که تولید فرش ایرانی به مصرف آن نگاه می کند. اگر فرش بتواند به خارج صادر شود، تولید هم می شود. اما اگر نتوان آن را صادر کرد، سرمایه گذار حاضر



به سرمایه‌گذاری در تولید نیست و امکان ادامه فعالیت برای تولیدکننده وجود ندارد. در این بین این کم و کاستی و نوسانات موجب اختلالات جدی در زندگی قشر بافنده و سایر اقشار ضعیف وابسته به این کار هم می‌شود.

مشکلاتی که تولید درگیر آن شده به‌واقع متفاوت از مشکلات ساختاری آن است. برای مثال پرداخت نقدی پارانه‌ها که هم چنان هم ادامه دارد، از عواملی است که ربطی به ساختار و شکل سنتی تولید فرش ندارد اما بر آن اثر گذاشته است. پرداخت پارانه نقدی انگیزه کار را در بسیاری از روستاها که منبع اصلی تأمین نیروی کار در بخش تولید فرش است، از بین می‌برد و این در حالی است که ایجاد فرصت‌های شغلی از اولویت‌های کشور است. تسهیل زندگی در روستا با ایجاد فرصت شغلی، راهی برای جلوگیری از مهاجرت به شهرهایی است که با مشکلات روزافزون ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند اما از بین بردن انگیزه کار و جایگزین کردن آن با انگیزه مهاجرت به شهر برای روستاییان، به مشکلات دامن می‌زند. تورم فزاینده که زمینه افزایش قیمت تمام‌شده فرش را فراهم کرده و تحریم که تنها در یک مورد ۲۰ تا ۳۰ درصد از صادرات فرش ایرانی به ایالات متحده آمریکا را از بین برد، از دیگر عوامل محدودکننده سهم فرش دستباف ایرانی در بازارهای جهانی است.

### چشم‌انداز

نشده بود. در محتوای قرار داد باید به این نکته می‌پرداختند که چه صادرات فرش ایرانی چه خروج فرش ایرانی از ایالات متحده آمریکا نباید تحریم شود اما این مهم دیده نشده بود بنابراین هر چند پس از امضای برجام می‌شد به آمریکا فرش صادر کرد اما امکان صادرات فرش ایرانی از آمریکا به دیگر کشورها ممکن نبود. اکنون امکان صادرات فرش ایرانی به آمریکا هم وجود ندارد در حالی که فرش کالایی است که تولید آن در کشور صد در صد در دست بخش خصوصی واقعی است و هیچ ربطی به حاکمیت و نهادهای نظامی ندارد. اینکه آمریکا فرش دستباف را اهرم فشار بر ایران قرار داده نشان می‌دهد، همان‌طور که خیلی‌ها می‌گویند هدف آن‌ها مقابله با ملت ایران است.

چشم‌انداز صادرات فرش را تاریک می‌بینیم به‌ویژه که نمی‌توان موضوع فرش را جدای از سایر مسائل اقتصادی کشور دانست و به‌طور انتزاعی و مجرد در باره آینده آن حرف زد. زمانی که فرش از جنبه فرهنگی خود خارج شده و جنبه تجارتي پیدا می‌کند، درگیر مسائل و مشکلاتی است که به تجارت دیگر کالاها هم مترتب است. بازگشت ارز حاصل از فروش فرش به دلیل مشکلات ناشی از تحریم بانکی دشوار است و از سوی دیگر تغییر اسناد فرش ایرانی در کشورهای دیگر و صادرات آن با تغییر هویت آن ضربه مهلکی به برند فرش ایرانی است. چنین صدماتی آینده را خدشه‌دار می‌کند. در سال‌های اخیر کل صادرات سالیانه فرش ایرانی رقمی معادل ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار یا کمی بیشتر بوده است در حالی که تنها یک شرکت تولیدکننده محصولات لبنی ایرانی در سال به همین میزان محصول صادر می‌کند. مشکلات صادرات بارها گوش‌زد شده اما گوش کسی بدهکار نیست. فرش ایرانی که هویت ماست هیچ اهمیتی برای مسئولان اقتصادی کشور ندارد. فرش دستباف ایرانی مثل یک بچه سرراهی و یتیم است که متولیان و والدین خود را از دست داده و هستی آن در معرض یک خطر جدی است.

طی دوره مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵، یکی از اعضای عالی‌رتبه هیئت مذاکره‌کننده ایرانی از این گفت که تحریم فرش هم برداشته خواهد شد، اما متأسفانه در متن برجام با دقت و جزییات به مسائل صادرات فرش ایرانی پرداخته





## ضرورتی ملی یا موضوعی حاشیه‌ای؟ استراتژی توسعه صنعتی

حسین حق‌گو

مهم همان طوری که ذکر شد آن است که تدوین این سند راهبردی، ظاهر از دستور کار مسئولان کشور خارج شده است و ایشان این اقدام را ضرورت حال و حل کننده مشکلات اصلی اقتصادی کشور نمی‌پندارند و آن را موضوعی حاشیه‌ای تلقی می‌کنند. بیان عبارات تاریخی زیر از سوی نگارنده شاید بیانی تکراری است اما گمان می‌رود تذکری لازم برای رد تلقی فوق باشد. حدود ۹۰ سال قبل مهندسی جوان از اهمیت ضرورت وجود «برنامه صنعتی» چنین یاد می‌کند:

احتیاجات روزافزون تمدن، ما را بیش از هر موقع به مسائل اقتصادی متوجه کرده است. هر کس اهمیت فوق‌العاده تولید ثروت را حس می‌کند و می‌فهمد که رفاهیت ملت ایران منوط به تهیه و تولید ثروت می‌باشد، خوشبختانه اقداماتی خواه مستقیماً توسط دولت، خواه به دست نفرات مملکت به عمل آمده و در جریان است ولی موقع مقتضی است که کلیه عملیات صنعتی ما تحت پروگرام جامع و روشن تنظیم شود و ارتباطات صنایع مختلفه را کاملاً رعایت و مقدمات هر مؤسسه را قبلاً تهیه نمایند. همان قسمی که اعضای مختلفه بدن تکالیف نفرات یک خانواده و تشکیلات سیاسی یک جامعه به همدیگر ارتباط کامل دارند، تشکیلات اقتصادی و مؤسسات صنعتی یک جامعه به همدیگر ارتباط کامل دارند (مهندس علی زاهدی - تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران - احمد آل یاسین صفحه ۵۳).

چنانکه از این نوشته برمی‌آید اولاً رفاه جامعه منوط به تولید ثروت است، ثانیاً تولید ثروت در گروی تولید صنعتی و عملیات هماهنگ صنعتی است و ثالثاً این فرآیند نیازمند نقشه و یا قطب‌نماست. سخنان فوق (تهیه «پروگرام صنعتی») اگر برای حدود ۹۰ سال قبل یعنی در زمانی که صنعت کشور به چند کارگاه کوچک و عملیات عمرانی محدود خلاصه می‌شد جنبه چندان جدی نداشت، اما سال‌هاست که وجود آن امری بس ضروری و واجب‌تر از نان شب برای توسعه کشور است و عدم انجام آن در کشوری با بیش از شش دهه حرکت در مسیر صنعتی شدن امری غیرقابل‌باور و پذیرش و سبب آسیب‌های جدی به روند توسعه‌ای میهن مان است.



طرح موضوع تدوین «استراتژی توسعه صنعتی» به سبب تکرار، شاید دیگر کمتر حساسیتی را به‌ویژه در فعالان صنعتی برانگیزد. آن‌هم در شرایط حال حاضر که همه‌چیز فوری و فوری و کوتاه‌مدت قلمداد می‌شود و هر روز تعدادی از راهبردهای صحیح و دستاوردهای بلندمدت متناسب با توسعه صنعتی رقابتی نیز به کناری نهاده می‌شود و سخن از ممنوعیت‌های وارداتی و صادراتی و خودکفایی (نهضت داخلی سازی) و قیمت‌گذاری‌ها و ... می‌رود.

چنانکه در گرامی داشت اخیر روز «صنعت و معدن» نیز همین رویه را شاهد بودیم. آنجا که در پاسخ به پیشنهاد رئیس اتاق ایران برای تدوین «استراتژی توسعه صنعتی» توسط این نهاد، رئیس مجلس بایان اینکه استراتژی صنعتی می‌تواند دورنمای خوبی برای کشور داشته باشد «امادر حال حاضر با مسائل روزمره شدیدتری در حوزه صنایع و تولید روبه‌رو هستیم» عنوان کرد: «البته این موضوع به این معنا نیست که نگاه بلندمدت نداشته باشیم، اما در حال حاضر بیشتر وقت باید برای حل مشکلات اصلی صرف شود.»

صرف‌نظر از نقد وارد بر این پیشنهاد اتاق و اینکه تدوین «استراتژی توسعه صنعتی» اقدامی حاکمیتی است و بخش خصوصی صرفاً می‌تواند یکی از اضلاع تدوین‌کننده این سند راهبردی اقتصادی و صنعتی ملی باشد، موضوع

البته در طی حدود یک دهه و نیم اخیر مطالعات و پژوهش‌هایی در این خصوص به واسطه تکالیف قانونی، صورت پذیرفته است (سال‌های ۸۲، ۹۱ و ۹۵ صرف‌نظر از تفاوت‌های شکلی و محتوایی هر یک از این مطالعات و پژوهش‌ها) اما هیچ‌یک از آن‌ها به سرمنزل مقصود نرسیده است.

الزامات قانونی برای تدوین این سند عبارت‌اند از: بند یک ماده ۱ قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۷۹ که بر «تدوین استراتژی (راهبردهای) توسعه صنعتی و معدنی» توسط این وزارتخانه (دولت) تأکید دارد. ماده ۲۱ برنامه چهارم که بر اساس آن «دولت موظف است سند ملی توسعه بخش‌های صنعت و معدن را با توجه به مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون (شهریور سال ۱۳۸۳) تهیه نماید» و نیز ماده ۱۵۰ برنامه پنجم توسعه که تأکید دارد «وزارت صنایع و معادن موظف است به منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در قالب تدوین راهبرد (استراتژی) توسعه صنعتی و معدنی با هماهنگی معاونت در زیربخش‌های برگزیده صنعت و معدن ... اقدام کند».

اینکه اما چرا این ضرورت توسعه‌ای و تکلیف مؤکد قانونی به سرانجام نرسیده است از دو عامل می‌توان نام برد: ۱- کمبود دانش و شناخت از اهمیت راهبردی این سند ۲- ضعف یافتن «اراده سیاسی».

تدوین، تصویب، اجرا و پایش و نظارت بر اجرای چنین سندی ملی نیازمند دانش به‌روز از مبانی نظری و آشنایی با تجارب جهانی از تدوین چنین اسناد مهم ملی و نیز شناخت ضعف‌ها و توانمندی‌های اجتماعی، اقتصادی و صنعتی میهنمان است و نیز وجود تعریف روشن از مفهوم «توسعه» و رویکردی سیستمی، جامع و کل‌نگر از این مقوله امری مهم و اساسی است که متأسفانه وجود این همه کمتر به چشم می‌خورد.

ضرورت مهم دیگر برای تحقق این خواست تاریخی چنانکه اشاره شد ضرورت وجود «اراده سیاسی» است که «دولت» (حاکمیت) مظهر آن است. چراکه جهت‌گیری اصلی توسعه صنعتی برآمده از تصویر آرمانی و بلندمدتی است که در ذهن مدیریت سیاسی جامعه نقش می‌بندد. لذا اولین نقطه حرکت در تدوین استراتژی توسعه صنعتی حصول توافق در مورد

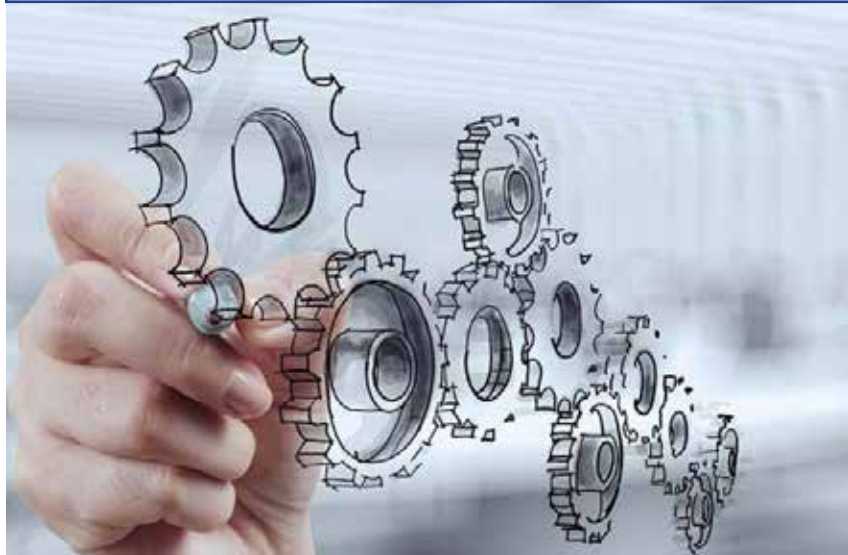
**تجربه موفق تدوین و اجرای «استراتژی توسعه صنعتی ترکیه» که تمام دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی و تشکلهای بخش خصوصی این کشور و کارشناسان جهانی اقتصاد (حدود ۲۲۰۰ نفر) در آن نقش داشتند می‌تواند الگوی خوبی برای تدوین سند توسعه صنعتی کشورمان باشد و صنعت و اقتصاد را از یک باتکلیفی و پراکنده کاری و نابودی منابع فکری و مادی در دوره‌های طولانی‌رهای بخشد.**

این تصویر است. چنانکه بررسی تجربه توسعه صنعتی در جهان نشان می‌دهد که عملکرد صنعت در هر کشور تابع خواست و اراده مدیریت سیاسی آن کشور و در جهت تحقق آن تصویر آرمانی است. پس از شکل‌گیری آن تصویر آرمانی و توافق بر سر آن در چارچوب تفاهم، اعتماد ملی و ارجحیت منافع ملی بر منافع فردی و گروهی و جناحی سؤال آن خواهد بود که چگونه این تصویر محقق می‌شود. اینکه چگونه می‌توان به این هدف مطلوب رسید؟ و کدام مجموعه از تصمیمات و سیاست‌گذاری و نهادسازی در اقتصاد داخلی، چه در سطح ملی و چه در سطح بخش صنعت در هماهنگی با تحولات آینده اقتصاد جهانی و هدف‌های توسعه صنعتی را امکان‌پذیر می‌سازد؟ و نیز اینکه الزامات محیطی و شرایط عمومی کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌عنوان زمینه‌ساز موفقیت توسعه صنعتی چیست و چگونه باید باشد؟ و... از جمله سؤالاتی است که باید بدان پاسخ داد و دولت (حاکمیت) پاسخگوی اصلی آن‌هاست. چراکه «اصولاً تبیین استراتژی صنعتی تبیین جایگاه و حوزه وظایف دولت در فرآیند توسعه‌ای صنعتی است».

بر این اساس برای تدوین سند راهبردی توسعه صنعتی لازم است مبتنی بر دانش و شناخت از اهمیت موضوع، «اراده سیاسی» برای انجام آن شکل گیرد و سپس با بهره‌گیری از تجارب گذشته و آسیب‌شناسی آن و تجارب جهانی موفق متناسب با وضعیت کشورمان و مشارکت تمامی ذینفعان به قدر وزن و سهم هر یک از آن‌ها در اقتصاد ملی و نیز دانش کارشناسان اقتصادی به همراه سایر کارشناسان در حوزه‌های مرتبط، این امر مهم ملی را سامان داد.

تجربه موفق تدوین و اجرای «استراتژی توسعه صنعتی ترکیه» که تمام دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی و تشکلهای بخش خصوصی این کشور و کارشناسان جهانی اقتصاد (حدود ۲۲۰۰ نفر) در آن نقش داشتند می‌تواند الگوی خوبی برای تدوین سند توسعه صنعتی کشورمان باشد و صنعت و اقتصاد را از یک باتکلیفی و پراکنده کاری و نابودی منابع فکری و مادی در دوره‌های طولانی‌رهای بخشد. اینکه آیا شناخت و دانش و اراده سیاسی لازم برای انجام این مهم وجود دارد یا خیر سؤالی است که پاسخ آن را باید در رفتار، گفتار و کردار مسئولان جست.

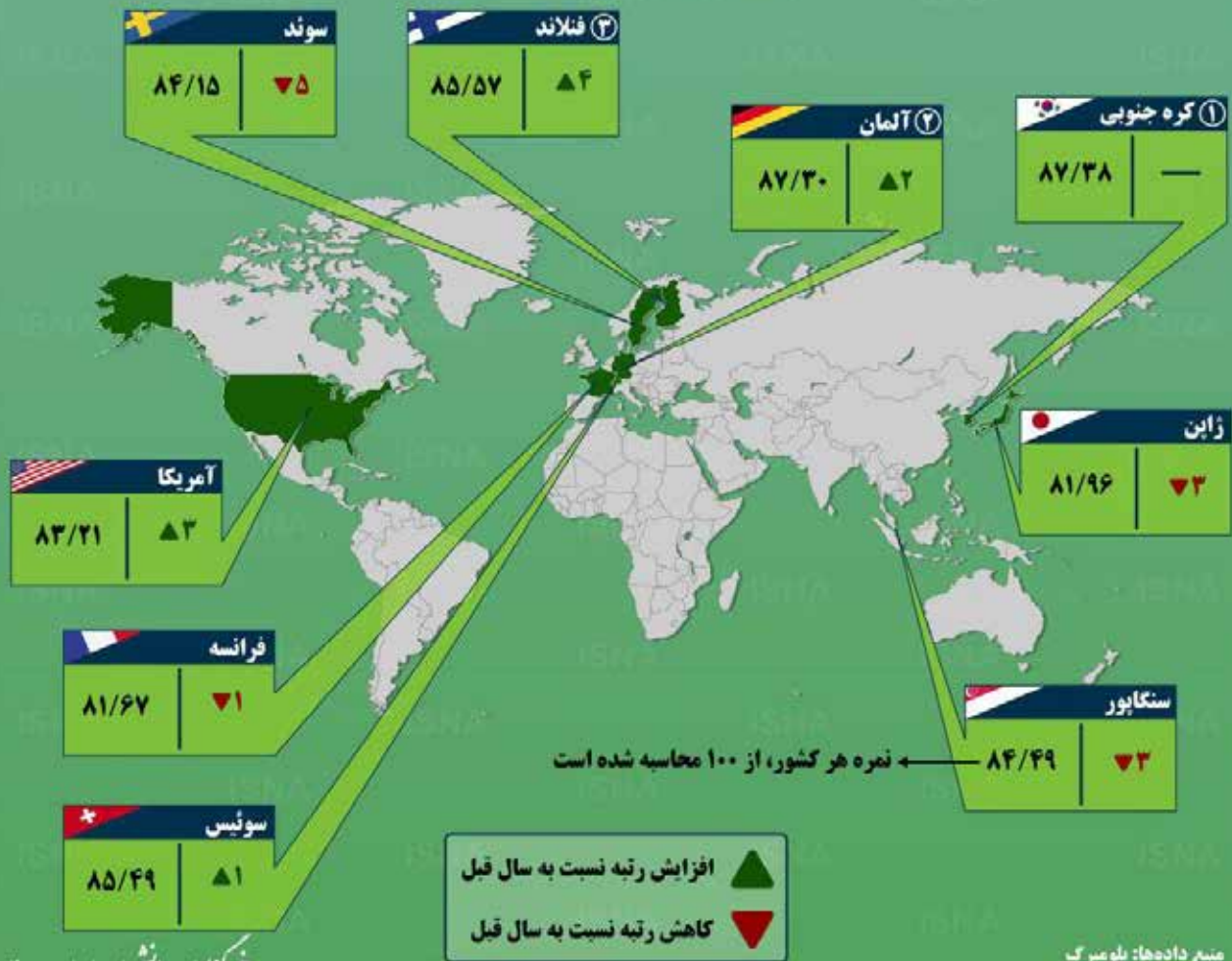
—باهره گیری از «خلاصه مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور»، دکتر نیلی و همکاران - ۱۳۸۲



## نوآورانه‌ترین اقتصادهای دنیا در سال ۲۰۱۹

ISNA

این رتبه‌بندی بر اساس شاخص‌هایی مانند هزینه‌های صرف‌شده برای تحقیق و توسعه، میزان کاربرد اختراعات ثبت‌شده داخلی و تعداد شرکت‌های فناوری‌نوآورانه داخلی است



منبع داده‌ها: بلومبرگ

ISNA / Design: Pedram Aghaei

ادامه از صفحه ۱۷

### افق بازار در ...

نمای کلی سبد هزینه و سرمایه‌گذاری در سال ۹۸ خلاصه گزارش بالا این است که در جانب هزینه‌ها، تورم رو به کاهش است و نیازی به پیش‌خرید برخی کالاها (مثل خودرو و ...) نیست. از منظر سرمایه‌گذاری هم، تقریباً همه بازارها اشباع هستند. یا باید سراغ بانک و صندوق‌های سرمایه‌گذاری بروید که قطعاً صندوق‌ها بهترند یا برای یافتن گزینه‌های جذاب سرمایه‌گذاری، وقت و هزینه صرف کنید. در بورس همچنان می‌توان برخی سهم‌های خوب یافت که مشروط به شرایطی بازدهی مناسب بدهند یا این که برخی نمادهای کالایی را بعد از آشنایی در زمان مناسب خریداری کرد. به طور کلی، یافتن گزینه مناسب (نسبت به سود بانکی) برای سرمایه‌گذاری، حتی نسبت به نیمه اول سال بسیار سخت‌تر است. البته شرایط ثبات اقتصادی، وضعیت بهتری برای ایجاد کسب و کار هم فراهم می‌کند. این گزینه را هم جدی بگیرید.

### پس‌انداز مردم ایران کجاست؟

بیش از یک سوم مردم، پس‌اندازی ندارند  
بیشترین پس‌انداز مردم در بانک با ۸/۲۴ درصد  
کمترین پس‌انداز مردم در ارز و طلا با ۲/۱ درصد  
و بورس با ۱/۵ درصد





## تحلیل یک کارشناس از آینده بازار مسکن

یک کارشناس با بیان این که تقاضا برای مسکن به صورت لایه زیرین رکود وجود دارد گفت: تصور نمی کنم که تا دو سه سال آینده قیمت مسکن دچار جهش شود و این فرصت را به سیاست گذار می دهد تا برنامه های خود را برای تولید مسکن در استطاعت اجرا کند.

مهدی روانشادنیادر گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: در کلان اقتصاد، نوعی انجماد در دارایی ها ایجاد شده و بازار مسکن نیز با توجه به تاثیر پذیری از بازارهای موازی مثل ارز، طلا و بورس وارد رکود شده است. دوره اخیر یافزایش قیمت مسکن که حدود ۱۸ ماه طول کشید به طور عجیبی طولانی شد. پیش بینی کارشناسان این بود که پایان سال ۱۳۹۷ رشد قیمت مسکن متوقف شود اما دیدیم که تاخردامه ۱۳۹۸ روند افزایشی ادامه پیدا کرد. با این وجود هم اکنون به نقطه ای رسیده ایم که تقاضای واقعی مسکن به جهت محدودیت در توان خرید به پایین ترین حد خود رسیده است. هم چنین تقاضای سوداگانه به این دلیل که منفعتی از جهت افزایش قیمت ها ندارد دچار عقب گرد شده است.

وی افزود: با توجه به تعداد واحدهای مسکونی موجود در شهر تهران اگر فرض کنیم هر واحد یک بار خرید و فروش شود با تعداد ۳۳۰۰ قرارداد خرید و فروش که در مردادماه داشتیم حداقل هزار ماه زمان می برد که یک معامله برای هر واحد انجام شود. این مساله این موضوع را به ذهن متبادر می کند که انجماد دارایی ها به بخش مسکن هم رسیده است.

### در بطن بازار مسکن دو نوع تقاضا وجود دارد

این کارشناس بازار مسکن با بیان این که طبیعی است باید به فکر آینده باشیم گفت: در بطن بازار مسکن، دو نوع تقاضای بالقوه از بعد جمعیتی و بافت های ناکارآمد شهری وجود دارد. در بعد جمعیتی، تغییر سبک زندگی اجتماعی و کوچک شدن بعد خانوار، تقاضای جدید به لحاظ نوع خاصی از واحدها را ایجاد می کند.

روانشادنیا تاکید کرد: تقاضا برای مسکن به صورت لایه زیرین رکود فعلی وجود دارد و طبیعی است که این تقاضا با یک تحول در اوضاع اقتصادی می تواند در دوره افزایش قیمت بعدی تشدید شود. دوره رکود فعلی تا رونق بعدی این فرصت را به سیاست گذار حوزه مسکن می دهد تا برای تامین مسکن در استطاعت اقدام کند.

وی با اشاره به برنامه ریزی دولت برای رونق دهی بخش مسکن در قالب طرح اقدام ملی تولید و عرضه ۴۰۰ هزار واحد مسکونی گفت: این اقدام می تواند محرکی برای عرضه در بخش هایی از تقاضای مسکن باشد ولی آنچه که تولید مسکن را متحول خواهد کرد ورود بخش خصوصی است. توان دولت بسیار محدود است و باید بازار را از این جنبه تحلیل کنیم که چگونه می توان جذابیت سرمایه گذاری برای بخش مسکن از طریق بخش خصوصی فراهم کرد. تسهیلات بانکی می تواند بخشی از این برنامه باشد اما واقعیت این است که تولید کنندگان با مشکلات زیادی از جمله طولانی شدن زمان صدور پروانه ها، افزایش قیمت مصالح ساختمانی و افزایش دستمزد مواجه شده اند.

این کارشناس بازار مسکن درباره پیش بینی از وضعیت آینده اظهار کرد: تصور نمی کنم که در بازار مسکن قابلیت برای رشد قیمت وجود داشته باشد؛ چرا که مهم ترین محرک بازار مسکن یعنی توان تقاضا به شدت کاهش یافته است. تنها در صورت افزایش نرخ ارز می توان رشد قیمت اسمی و نه رشد واقعی قیمت مسکن را متصور شد.

طبق اعلام بانک مرکزی از تحولات بازار مسکن در مردادماه سال جاری تعداد معاملات آپارتمان های مسکونی شهر تهران به ۳۳۰۰ واحد مسکونی رسید که نسبت به ماه قبل ۳۱.۳ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۷۲.۶ درصد کاهش را نشان می دهد. همچنین در این ماه متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه های معاملات ملکی شهر تهران ۱۳ میلیون و ۳۰ هزار تومان بود که نسبت به تیرماه کاهش ۲.۴ درصدی داشته اما نسبت به مردادماه سال گذشته ۷۶ درصد افزایش یافته است.



## سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۸

تهیه کننده: طاهره کریمی دستنایی

شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) هر ساله گزارشی از تأثیرات بخش سفر و گردشگری بر اقتصاد و اشتغال کشورهای ارائه می دهد. طبق گزارش سال ۲۰۱۸ بخش سفر و گردشگری جهان رشد ۹,۳ درصدی داشته که از میانگین رشد اقتصاد جهانی (۳,۲٪) پیشی گرفته است. در میان اقتصادهای جهان، بیشترین رشد تولید ناخالص داخلی سفر و گردشگری متعلق به کشور ترکیه (۱۵٪) و پس از آن کشورهای چین (۷,۳٪) و هند (۶,۷٪) بوده است.

جدول ۱- بزرگترین بازارهای جهان از منظر تولید ناخالص داخلی سفر و گردشگری- میلیارد دلار

| رتبه | نام کشور            | مجموع تولید ناخالص داخلی سفر و گردشگری |
|------|---------------------|----------------------------------------|
| ۱    | ایالات متحده آمریکا | ۱۵۹۵,۱                                 |
| ۲    | چین                 | ۱۵۰۹,۴                                 |
| ۳    | ژاپن                | ۳۶۷,۷                                  |
| ۴    | آلمان               | ۳۴۴,۸                                  |
| ۵    | انگلستان            | ۳۱۰,۹                                  |
| ۶    | ایتالیا             | ۲۷۴,۹                                  |
| ۷    | فرانسه              | ۲۶۵,۸                                  |
| ۸    | هند                 | ۲۴۷,۳                                  |
| ۹    | اسپانیا             | ۲۱۱                                    |
| ۱۰   | مکزیک               | ۲۰۹,۴                                  |

شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) گزارش و پیش بینی خود را از تأثیر سفر و گردشگری بر اقتصاد و اشتغال برای ۱۸۵ کشور ۲۵ منطقه جغرافیایی یا منطقه اقتصادی در جهان ارائه می دهد. این گزارش، یک ابزار حیاتی در کمک به تجهیز بدنه بخش های دولتی و خصوصی است که شواهد محکمی در مورد نقش مهم سفر و گردشگری برای اقتصاد دارد، به طوری که تصمیم گیری های مربوط به سیاستگذاری و سرمایه گذاری را متاثر می کند. آخرین تحقیقات سالانه WTTC نشان می دهد که در سال ۲۰۱۸ سهم سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی جهان برای هشتمین سال متوالی از اقتصاد جهانی پیشی گرفته است. جدول زیر مجموع سفر و گردشگری از تولید ناخالص داخلی را برای ده کشور که دارای بزرگترین بازار سفر و گردشگری جهان بر حسب سهم از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ هستند، نشان می دهد: اثرات مستقیم، غیر مستقیم و القایی سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۸ به شرح زیر است: ۸,۸ تریلیون دلار سهم از تولید ناخالص داخلی جهان

رشد تولید ناخالص داخلی  
(%) ۲۰۱۸



۱۰,۴٪  
سهم گردشگری از تولید ناخالص  
جهانی ۲۰۱۸ (۸۸۸ تریلیون دلار)



تقسیم بندی هزینه کرد سفر و گردشگری  
جهان







## مناطق آزاد اقتصادی در ایران؛ از رویا تا واقعیت

باشند و ممکن است شاهد افزایش میزان جعل و پول‌شویی و قاچاق کالا در این مناطق باشیم.

در بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۴ هدف اصلی و مولد شامل انتقال فناوریهای پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج برای مناطق آزاد ذکر شده است. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که مناطق آزاد ایران چه میزان در رسیدن به اهداف خود موفق بوده‌اند و این که افزایش این مناطق لزوماً گامی روبه‌جلو محسوب خواهد شد؟

برای بررسی سؤال بالا در گام اول سعی شده است انواع مناطق اقتصادی تعریف شود و در مرحله بعد بررسی مناطق آزاد تجاری در سطح جهانی با نگاهی اجمالی به مناطق آزاد کشورهای چین و ایالات متحده آمریکا به عنوان دو اقتصاد برتر دنیا صورت گرفته است و در نهایت عملکرد مناطق آزاد ایران بررسی شده است.

بنا بر آمار جهانی، تعداد مناطق ویژه اقتصادی در سال ۱۹۸۶ یعنی اولین سال‌های توجه به این ایده، ۱۷۶ عدد بوده است و این در حالی است که بنا به گفته بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ تعداد این مناطق حدوداً ۴۳۰۰ منطقه بوده است که این میزان از رشد از افزایش اهمیت این مناطق نزد کشورهای جهان و هم‌چنین افزایش توجه کشورها به دیدگاه نئولیبرالیسم اقتصادی طی سالیان گذشته خبر می‌دهد، دیدگاهی که بر رقابت بازار آزاد و مداخله حداقلی دولت‌ها تأکید دارد

با بررسی انواع مناطق اقتصادی و با تقسیم کارکردهای این مناطق و نیز قوانین حاکم بر آن‌ها، می‌توان این مناطق را به چهار نوع عمده تقسیم کرده و میان آن‌ها تمایز قائل شد. در ادامه به بررسی انواع مناطق اقتصادی می‌پردازیم.

### ۱- مناطق آزاد تجاری (FTZ)

بنا بر تعریف بانک جهانی؛ منطقه آزاد تجاری (FREE-TRADE ZONE) که به نام منطقه تجارت خارجی نیز نامیده می‌شود، یک منطقه جغرافیایی غالباً بندری (درواقع مناطق با مزایای جغرافیایی برای تجارت) است که در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است، چنانچه کالاها را میتوان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این منطقه صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آنها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم بسته‌بندی و بدون مداخله مقامات گمرکی مجدداً صادر کرد

ایده تشکیل این مناطق بیشتر در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته و شاهد گسترش روزافزون این مناطق در این کشورها هستیم؛ در برداشتی جدیدتر از مناطق آزاد، منطقه آزاد به ناحیه ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی گفته می‌شود که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند و فلسفه این تعریف مرتبط با تغییر استراتژی واردات به استراتژی توسعه صادرات، از سوی کشورها می‌باشد

یکی از ایده‌هایی که در طول چند دهه گذشته و در راستای افزایش رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی به آن توجه ویژه‌ای شده است، ایده تأسیس مناطق اقتصادی بوده است. درواقع این مناطق امروزه ابزارهایی مفید برای رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند که به گسترش تجارت بین‌المللی کمک می‌کنند.

چهاردهم تیرماه سال ۱۳۹۵ بود که رئیس‌جمهوری، لایحه ایجاد هفت منطقه آزاد تجاری - صنعتی و ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی را طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. پس‌از آن نیز دولت یک لایحه جدید در خصوص ایجاد منطقه آزاد قصر شیرین را به مجلس شورای اسلامی برد تا ایجاد این هشت منطقه آزاد جدید در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. در تاریخ ۷ مرداد امسال کمیسیون اقتصادی مجلس لایحه ایجاد هشت منطقه آزاد تجاری و اصلاح محدوده چهار منطقه و همچنین ایجاد ۱۳ منطقه ویژه اقتصادی جدید را به تصویب رساند. در این لایحه همچنین ۶۷ منطقه اقتصادی ویژه پیشنهادی نمایندگان نیز پیش‌بینی شده است.

از آنجاکه ایده اصلی ایجاد مناطق آزاد تجاری، تسهیل تجارت بین مرزی با حذف موانع ناشی از مقررات گمرکی و در نتیجه کمک به گسترش تجارت بین‌المللی است، خبر بالا می‌تواند نویدبخش رونق اقتصادی کشور باشد

ولی از طرفی دیگر این مناطق می‌توانند بستری مناسب برای تجارت غیرقانونی



## ۲- مناطق پردازش صادرات (EPZ)

مناطق پردازش صادرات (EXPORT PROCESSING ZONES) یک نوع منطقه تجارت آزاد است که به طور کلی در کشورهای در حال توسعه توسط دولت‌هایشان برای ترویج صادرات صنعتی و تجاری راه‌اندازی شده است.

## ۳- FREE PORTS (بنادر آزاد)

یک بندر یا منطقه‌ای از یک بندر که در آن کالاهای وارداتی می‌توانند بدون مجوز گمرکی قبل از صادرات مجدد نگهداری یا پردازش شوند.

## ۴- مناطق ویژه تجاری (SEZ)

مناطق ویژه تجاری (SPECIAL ECONOMIC ZONES) به محدوده جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه منطقه‌ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد شده است، گفته می‌شود.

در این نوشتار بیشتر به بررسی و تحلیل مناطق آزاد تجاری پرداخته شده است.

## بررسی مناطق آزاد تجاری در سطح جهانی

### الف) چین

در حال حاضر، ۱۱ منطقه آزاد در چین وجود دارد که هر کدام از آن‌ها دارای تمرکز

**مناطق آزاد ایران امروزه از هدف اصلی خود فاصله گرفته و بیشتر به مراکزی برای واردات کالا تبدیل شده‌اند. مقایسه عملکردی مناطق آزاد ایران با مناطق آزاد موفق در جهان، نشان می‌دهد که این پدیده در ایران دچار کژکارکردی‌های ویژه‌ای شده است. برخی از این آفت فلسفه وجودی این مناطق را زیر سوال برده‌اند.**

صنعتی و جذب سرمایه‌گذاری در راستای منافع و اهداف ویژه و مشخص شده‌ای است، به طور مثال فوجیان از تجارت با تایوان حمایت می‌کند؛ گوانگدونگ از ادغام اقتصادی با هنگ‌کنگ و ماکائو پشتیبانی می‌کند؛ و تیانجین از منطقه شمال شرقی پشتیبانی کرده و به توسعه بازارهای مالی دریایی کمک می‌کند.

در این میان منطقه ویژه اقتصادی شنژن که در ماه مه ۱۹۸۰ تأسیس شده، اولین منطقه ویژه اقتصادی در جمهوری خلق چین است. شهر شنژن در استان گوانگدونگ در مرز هنگ‌کنگ در جنوب شرقی چین واقع شده است و منطقه آزاد این شهر که از مناطق آزاد موفق جهان است حدود ۲۰ هزار هکتار مساحت دارد.

این شهر در دهه ۷۰ قرن بیستم دهکده ماهیگیری کوچکی بود که در حاشیه هنگ‌کنگ واقع بود، اما امروز تبدیل به یک مرکز حمل و نقل جهانی همراه با فن‌آوری بالا و خدمات مالی شده است، به طوری که امروزه به عنوان یکی از مراکز مهم تجاری اقتصادی شرق آسیا توانسته است در زمره شهرهای بزرگ دنیا درآید، به طوری که طبق آمار منتشر شده توسط اداره آمار گوانگدونگ در وبسایت خود، تولید ناخالص داخلی (GDP) شنژن در سال ۲۰۱۶ در حدود ۲ تریلیون یوان (۳۰۲,۳۲ میلیارد دلار) بوده است.

از دیگر مناطق آزاد شناخته شده چین، منطقه آزاد شانگهای است. طبق آمار منتشر شده توسط دولت چین، تولید ناخالص داخلی واقعی (REAL GDP) شانگهای تحت تأثیر منطقه آزاد شانگهای از ۵۵۰۲ در اواخر سال ۲۰۱۳ به ۷۳۱۸ در اوایل سال ۲۰۱۷ رسیده است.

### ب) ایالات متحده آمریکا

مناطق آزاد تجاری در ایالات متحده به عنوان "مناطق تجارت خارجی" نامیده می‌شوند. طبق آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۶ به وسیله هیئت مدیره مناطق تجارت خارجی، بیش از ۴۲۰,۰۰۰ نفر در حدود ۳۳۰۰ شرکت که زیرمجموعه این مناطق، مشغول به کار شدند که این آمار نشان از اهمیت بالایی این مناطق در ایجاد اشتغال و افزایش جمعیت کار را ایالات متحده دارد. در همان سال صادرات از تأسیسات تحت عمل FTZ تقریباً به ۷۶ میلیارد دلار رسیده است. طبق آمار منتشر شده از سوی دولت آمریکا، منطقه تجارت خارجی ایالت تگزاس بیشترین فعالیت را در زمینه صادرات و واردات کالا داشته است.





از قانون کار اتباع خارجی در داخل کشور تبعیت می‌کند.

\* معافیت مالیاتی کامل به مدت ۲۰ سال در مناطق آزاد وجود دارد، اما در مناطق ویژه اقتصادی صرفاً تخفیف مالیاتی ارائه می‌شود.  
\* در مناطق آزاد تجاری برای عوارض گمرکی و صادرات و همچنین واردات کالا نیز بخشودگی کامل سهم دولت در نظر گرفته شده است، اما این موضوع درباره مناطق ویژه بسته به موضوع فعالیت تخصصی منطقه، تغییر می‌کند.

\* مقررات روادید برای اتباع خارجی در مناطق ویژه بر اساس ضوابط داخل کشور است ولی در مناطق آزاد روادید در مرزهای ورودی اعطاء می‌شود.

به‌طور کلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد گسترده‌تر از سرمایه‌گذاری در مناطق ویژه اقتصادی است. [۱۱]

### وسعت بالای مناطق آزاد: تهدید یا فرصت!

مناطق آزاد ایران جزو مناطقی هستند که وسعت بالایی دارند و میانگین وسعت آن‌ها ۹۳ هزار هکتار است، در حالی که میانگین وسعت مناطق آزاد جهان ۷۵۰۰ هکتار است. به‌طور مثال منطقه آزاد تجاری ماکو با مساحت ۵۰۰ هزار هکتاری، دومین منطقه آزاد تجاری بزرگ جهان است، در حالی که همان‌طور که پیش‌ازین ذکر شده بود منطقه آزاد سنژن که از مناطق آزاد موفق جهان است حدود ۲۰ هزار هکتار مساحت دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس در دی‌ماه ۹۶ گزارشی را در خصوص لایحه افزایش هشت منطقه آزاد منتشر کرده که بر اساس آن، «عدم امکان ایجاد زیرساخت‌های موردنیاز»، «عدم امکان فنس‌کشی و محصور کردن منطقه و زمینه رسوب و قاقچاق کالا»، «عدم امکان عملیاتی کردن مزایای قانونی در کل محدوده مصوب منطقه»، «بروز پدیده افزایش قیمت زمین و زمین‌خواری»، «تردد خودروی سواری»، «ورود کالای همراه مسافر»، «وجود نقاط جمعیتی شهری و روستایی در محدوده مناطق»، «تورم ساختار سازمانی و افزایش نیروی انسانی ستادی در مناطق»، «بروز مشکل در استفاده از فرودگاه‌های مسافری موجود در شهرها»، «قرار گرفتن مسیرهای اصلی جاده‌های کشور در محدوده مناطق آزاد» و «ایجاد مناطق منفصله» بخشی از چالش‌های پیشروی مناطق آزاد کشورمان به‌واسطه

وسعت بالا و مکان‌یابی نادرست عنوان شده است

توضیح اینکه معمولاً با ایجاد منطقه آزاد قیمت اراضی داخل محدوده بالا رفته و در کنار ایجاد مزیت برای این اراضی، اراضی مجاور با عدم مزیت مواجه می‌شوند. به همین دلیل فشارهای مختلف برای اضافه شدن اراضی به محدوده این مناطق وجود دارد. از طرف دیگر با ایجاد مناطق آزاد قیمت اراضی و اجاره‌بهای مسکن افزایش یافته و موجب بروز مشکلاتی برای ساکنان این مناطق می‌شود.

از طرفی دیگر نگاهی به میزان سرمایه‌گذاری خارجی کل کشور طی سال‌های ۸۵ تا ۹۳ و مقایسه آن با میزان سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد نیز نشان می‌دهد، نسبت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد به کل کشور حدود ۳٫۵ درصد است.

هم‌چنین بر اساس آمار منتشرشده از سوی شورای مناطق آزاد تجاری-صنعتی، در هر یک از سال‌های ۹۴ و ۹۵ کمتر از ۳۵۰ میلیون دلار صادرات کالا و خدمات از این مناطق صورت گرفته است. این در حالی است که طبق آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، صادرات کالا در سال ۹۴ بیش از ۴۲ میلیارد دلار اعلام شده است.

هرچند که در ماده یک قانون چگونگی اداره مناطق آزاد (مصوب ۱۳۷۲) و بند ۱۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی ۱۳۹۲)، به موضوع گسترش و تسهیل تولید و صادرات از طریق مناطق آزاد اشاره شده است ولی مجموع هفت منطقه آزاد کیش، قشم، چابهار، اروند، ارس، انزلی و ماکو، کمتر از یک درصد صادرات کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. با این تفاسیر سایر نقاط کشور که از امتیازات مناطق آزاد برخوردار نیستند، بیش از ۹۹ درصد صادرات کشور را تأمین کرده و عملکرد به‌مراتب بهتری از مناطق آزاد کشور دارند.

این در حالی است که مناطق آزاد در سایر کشورها نظیر چین و مالزی، علاوه بر افزایش گسترش صادرات کالا، بیش از ۴۰ درصد صادرات کشورشان را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار در واردات کالا متفاوت است، به‌طوری‌که از طریق مناطق آزاد سالانه بین ۳ تا ۴ میلیارد دلار و حدوداً معادل ۱۰ درصد واردات کشور، کالا وارد کشور می‌شود.

### نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد مناطق آزاد تجاری ایران طی سالیان گذشته به اهداف اصلی تأسیس خود از جمله گسترش تولید و صادرات کالا به‌طور کامل دست پیدا نکرده است و فاصله شعار تا عمل طبق آمار به‌طور محسوسی قابل مشاهده است. از طرفی دیگر باید منتظر ماند و دید که مناطق آزاد جدید ادامه‌دهنده راه مناطق آزاد پیشین خود خواهند بود یا شاهد تحولی بزرگ در مسیر حرکت این مناطق خواهیم بود.

# نتیجه عکس حذف صفر از پول ملی در بستر تورمزا و بزرگی دولت



دکتر محمدرضا لطفعلی پور  
استاد دانشگاه فردوسی



دیگر کاهش قدرت خرید را احساس می کنند  
۳- بیان اعداد نسبتاً بزرگ برای بعضی اقلام  
و کالاهای کم ارزش و نیز نوشتن صفرهای  
زیاد در مبادلات تجاری در مقیاس وسیع

## هزینه ها و عواقب ناخوشایند حذف صفر از پول ملی در شرایط فعلی

۱- هزینه های تغییر سیستم های نگهداری  
منابع و دارایی های کشور در بانکها، موسسات  
و سایر مراجع حسابداری رسمی کشور

۲- اجحاف به مصرف کنندگان جزئی و  
افزایش هزینه های زندگی یومیه به دلیل گرد  
کردن اعداد به سمت بالا توسط فروشندگان و  
عرضه کنندگان خدمات.

به عنوان مثال وقتی با قیمتهای فعلی مواجه  
هستیم مصرف کننده ضعیف و با درآمد پایین  
که بیشتر از سایر اقشار مبادلات روزانه دارد،  
برای اقلام هزار یا حتی کوچکتر از هزار تومان  
باقیمانده پولش را از فروشنده طلب می کند، اما

حذف صفر از پول ملی یک کشور به منزله قیمت گذاری مجدد پول ملی است. همان طور که می دانید هر چیزی ارزشی دارد و پول هم از آن جمله است. با این تفاوت که قیمت اکثر کالاها در بازار تعیین میشود و نرخ مبادله مبین قیمت کالاها یا خدمات است. این که بگوییم چند هزار ریال برابر یک یورو در واقع نشان دهنده قیمت و ارزش یک پول (ریال) در مقابل پول دیگر است. لیکن قیمت پول به دلیل اهمیت آن در اقتصاد هم روی کاغذ تعیین میگردد و هم در بازار مبادله. ارزش کاغذی آن را معمولاً دولتها برای نمایش اقتدار و توانمندی اقتصادی تعریف میکنند و ممکن است در چند مورد هم برای نیازمندیهای ضروری ارز را به قیمت تعیین شده اختصاص دهند، مثل ارز ۴۲۰۰ تومنی. یا سیستمی که سالیان قبل به خصوص در زمان جنگ در کشور رواج داشت، به این معنی که برای مصارف مختلف ارز با قیمتهای متفاوت تخصیص می یافت. این نوع قیمت گذاری غیر واقعی و صوری است و پایدار نیست. و اگر روزی دولتی نتواند یا نخواهد از این روش حمایت کند این نوع قیمت دوام نیاورده و به سرعت از بین میرود. این مکانیسم در عین ضروری بودن در یک مقطع زمانی، تبعات و تالی فاسدهایی هم به همراه داشت. بهبود شرایط اقتصادی و رهایی از تبعات ناخوشایند چند نرخ ارز، مسوولین اقتصادی را بر آن داشت تا کم کم سیستم تک نرخ ارز را در کشور اعمال نمایند. در این روش از قیمت گذاری، ارزش پول هر کشور در مقابل سایر ارزها در بازار تعیین میشود و وجود نوسانات قیمتی جزئی لاینفک این روش می باشد. درست است که حتی در این روش دولتها پشتوانه پول ملی خود هستند، اما اولاً ارزش واقعی پول هر کشور در بازار تعیین میشود ثانیاً ارزش پول تابع عرضه و تقاضایی است که برایش وجود دارد که خود تابعی از تولید ملی کشور است.

## عمده ترین دلایل و ضرورت های حذف صفر از پول ملی

آنچه در پی انقلاب، جنگ و تحریمها در اقتصاد ایران رخ داد، منجر به کاهش ارزش پول ملی گردید به نحوی که امروزه همه شاهد آن هستیم. آنقدر ارزش پول کاهش پیدا کرده که گاهی حذف یک صفر تغییر چندانی در مبادلات ایجاد نمی کند. اثرات نامطلوب این وضع بر اقتصاد را به طور خلاصه میتوان به شرح ذیل برشمرد.

۱- عدم اعتماد به پول ملی و جایگزینی پولهای پر قدرت به جای آن در پس اندازها و بعضی مبادلات غیر رسمی، کما اینکه در شرایط فعلی گفته میشود عدد قابل توجهی از دلار و یورو توسط خانوارها نگهداری میشود تا از کاهش ارزش ریال در امان بمانند.

۲- اثر روانی نامطلوب به خصوص در سفرهای خارجی و یا واردات کالاهای خارجی، افراد با هر خرید و فروش و تبدیل پولها به یکدیگر متوجه ارزش پایین پول خود میشوند. به عبارت



هایی هستند که تجربه حذف ۴، تا ۱۸ صفر را طی یک یا چند مرحله از پول ملی خود را به اجرا گذاشته اند.

آلمان بعد از جنگ و بازسازی خرابی های ناشی از جنگ جهانی، هلند در دهه ۶۰ و ترکیه اخیرا از جمله تجربه های موفق حذف حداقل ۴ صفر از پول ملی خود بوده اند.

اما برزیل و زیمبابوه از جمله کشور های ناموفق در حذف صفر از پول ملی خود بوده اند. برزیل طی چندین مرحله در مجموع با حذف ۱۸ صفر از پول ملی و ۸ بار اسم گذاری مجدد برای پول ملی باز هم موفق به کنترل تورم نشده و پول آن از جمله ضعیف ترین پول های کشور های منطقه است.

در زیمبابوه که این روزها گاه و بیگاه در اخبار اقتصادی بیان میشود، در چندین مرحله نرخ برابری پول خود را با دلار آمریکا ارزش گذاری مجدد نموده است. روی کاغذ ارزش دلار زیمبابوه را معادل یک میلیارد دلار آمریکا تعریف نمودند اما در عمل و قیمت تعادلی که در بازار تعیین میگردد هر، ۳۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار زیمبابوه معادل یک دلار آمریکا مبادله می شود.

### شرایط اقتصادی و الزامات حذف صفر از پول ملی

۱- کشور های موفق با توجه به شرایط اقتصادی خود زمان مناسبی را برای حذف صفر از پول ملی خود انتخاب کرده و به تبع آن الزامات لازم جهت تداوم این سیاست را در پیش گرفتند تا توانستند به خوبی از عهده این کار بر آیند. رشد و رونق تولید از جمله اولین شرایط لازم برای توفیق در حذف صفر از پول ملی است. رونق تولید تضمین کننده تولید بیشتر در آینده است در نتیجه زمینه و بستر تورم مجدد را تا حد زیادی از بین می برد. تجربه کشور های موفق هم موید این موضوع است. ترکیه زمانی اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کرد که تولیدات کالاها و خدمات آن رو به فزونی گذاشته و به بیش از ۱۰۰ کشور صادرات قطعات اتومبیل داشت. درآمد سرانه مردم رو به افزایش گذاشت و بدلیل قوی بودن زیر ساخت ها حتی در رویارویی اقتصادی اخیر با آمریکا بیش از ۳۰ تا ۴۰ درصد از ارزش پول خود را از دست نداد.

۲- انضباط مالی دولت و کاهش هزینه های اضافی از بودجه

واقعیت این است که یکی از دلایل اصلی تورم در کشور ایران، کسری بودجه و استقراض دولت از سیستم بانکی در خلال دهه های گذشته بوده است. (گرچه موارد دیگری مثل جبران کسری موسسات مالی و اعتباری از منابع عمومی در سالهای گذشته انجام شده است، لیکن این موارد موردی بوده است) لذا توسل به استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول همیشه یکی از دلایل اصلی تورم در کشور بوده و هست. لذا هر اقدام ضد تورمی بایستی کاهش هزینه های عمومی و بار تکفل دولت را کاهش دهد، در غیر این صورت تاثیر چندانی بر کاهش تورم نخواهد داشت.

بررسی اوضاع اقتصادی کشور از یک طرف نشان از تشدید تحریم ها است. این امر مسئله تولید و رشد و رونق اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار داده و نه تنها منجر به تولید بیشتر نشده بلکه باعث کوچک تر شدن کل اقتصاد میگردد. نرخ بیکاری نسبتا بالای عوامل تولید، ظرفیت خالی کارخانجات تولیدی و نرخهای رشد پایین اقتصادی و بسیار ناچیز و نیز کاهش سهم

وقتی چهار تا صفر از پول ملی حذف گردید، هر ۱۰ هزار تومان تبدیل به ۱ تومن میشود. آیا از نظر روانی برای مصرف کننده ممکن است که بخواهد به دنبال اجزای تومن و حتی اجزای ریال باشد، و یا حتی اگر اسم پول را هم بخواهند عوض کنند. و چه تضمینی است که فروشندگان خود را ملزم به باز پرداخت آخرین واحد باقیمانده پول به خریدار نمایند، (اگر این تضمین را کسی میتواند عمل نماید همین الان که بعضی فروشندگان به خود زحمت نداده و باقیمانده پول خریدار را کالا میدهند، اجرا نماید). در نتیجه این کار یک نوع اجحاف به مصرف کننده آسیب پذیر تحمیل میشود و بدون اینکه در آمدش تغییر کند هزینه هایش افزایش می یابد. توجه داشته باشیم در وضعیت فعلی چند درصد از افراد کشور زیر خط فقر هستند، آیا با این کار در صد این گروه را بادیست خود افزایش نمی دهیم؟

۳- حذف چند صفر گرچه به ظاهر هیچ تغییری در متغیر های اصلی اقتصاد ایجاد نمی شود، اما این اقدام بدلیل بر آورد مجدد قیمت تمام شده و قیمت عرضه در غیاب بازرسی و نظارت های مستمر و همه جانبه دولت موجب سوء استفاده برخی عرضه کنندگان و توزیع کنندگان کالاها و خدمات می گردد. چون در قیمت گذاری جدید پیشنهاد قیمت های بالاتر را طلب میکنند و در وضعیت فعلی که دولت کمترین نظارت را بر بازار دارد، منجر به افزایش شکاف درآمدی و هزینه ای اقشار کم درآمد میگردد.

۴- در شرایط تورمی با کوچکتر شدن پول، امکان تورم انتظاری در آینده بیشتر میشود. در وضعیت فعلی اگر یک دفعه قیمتها دو برابر شوند، کالای ۱۰ هزار تومانی، ۲۰ هزار تومان عرضه میگردد، قبول این وضعیت برای مصرف کننده بسیار دشوار تر از زمانی است که قیمت کالا از یک تومن به ۲ تومن افزایش یابد. در واقع در هر دو حالت یک اتفاق افتاده اما قبول هر حالت برای مردم و عوامل اقتصادی با عکس العمل متفاوتی مواجهه میگردد. به عبارت دیگر در مقیاس های کوچک انتظارات تورمی مصرف کننده به مراتب بیشتر است.

### تجربه حذف صفر از پول ملی در دنیا

حذف چند صفر از پول ملی قبلا هم در چند کشور دنیا اتفاق افتاده است. آلمان، هلند، برزیل، زیمبابوه و ترکیه از جمله کشور

## دیدگاه دولت درباره اشتغال شرکت های دانش بنیان واقعی است؟

افشین کلاهی

رییس مجمع تشکل های دانش بنیان ایران

با توجه به محدودیت و انحصار در بازار داخل و عدم دسترسی به بازار خارجی، هر چند نمی توان اثرگذاری شرکت های دانش بنیان بر رشد اشتغال را نفی کرد اما استفاده حداکثری از ظرفیت های آنان مورد تردید است.

دولت امیدوار است با رشد شرکت های دانش بنیان به کمک اشتغال فارغ التحصیلان بیاید که بیکاری آن ها ۱,۵ برابر دیگر افراد است. مسئولان هم چنین از سال های گذشته از رشد تسهیلات دولتی برای ایجاد و ادامه فعالیت شرکت های دانش بنیان خبر داده اند اما اکنون سوال این است که این دیدگاه تا چه اندازه واقعی است و شرکت های دانش بنیان تا چه میزان از بار معضل بیکاری را به دوش خواهند کشید؟

بخشی از دیدگاه مسئولان دولتی درباره ظرفیت های شرکت های دانش بنیان درست است. اقتصاد ایران چاره ای جز سرمایه گذاری بر شرکت های دانش بنیان ندارد چرا که راه دیگری برای ایجاد اشتغال و توسعه فعالیت های اقتصادی مولد نداریم. بازار کسب و کارهای مرتبط با انرژی و دیگر حوزه های موثر در اقتصاد ایران پر شده است و وضعیت بازار سنتی هم به دلیل تحولات سریع فناوری به منظور ایجاد فرصت های شغلی بیشتر قابل اتکا نیست.

به طور قطع شرکت های دانش بنیان نقش موثری در ایجاد اشتغال دارند. این شرکت ها حوزه های تازه خدمات و صنعت را ایجاد کرده و شیوه های گذشته را بهبود بخشیده و متحول می کنند. همین تحولات عامل ایجاد مشاغل جدید است با این حال نباید فراموش کرد که توسعه همین مشاغل جدید زمینه ساز از بین رفتن بعضی مشاغل سنتی است. شاید بتوان بخش حمل و نقل را معروف ترین بخش در این زمینه دانست که توسعه کسب و کارهای نوین در آن، کسب و کارهای سنتی را از بین برده است. در واقع در بخش حمل و نقل

شهری پیش از ورود کسب و کارهای نوین رقیبی برای فعالان سنتی وجود نداشت اما اکنون این شرکت های نو اشتغال سنتی در این حوزه را تهدید می کنند. بنابراین نمی توان گفت که کل مسائل اشتغال با اتکا به شرکت های دانش بنیان حل خواهد شد.

یک مشکل بزرگ درباره شرکت های دانش بنیان محدود شدن فعالیت آن ها به بازار داخل است. دیدگاهی که دولت درباره اثرگذاری شرکت های دانش بنیان بر بیکاری دارد، در ارتباط با بازارهای جهانی و ارائه خدمات و محصولات در فضای بین المللی ممکن است محقق شود اما با توجه به تحریم کنونی، کسب و کارهای نوین بیشتر با توجه به بازار داخلی اهداف خود را تعریف می کنند. این در حالی است بازار داخل محدود است و رقابتی نیست. بازار داخل بیشتر انحصاری است و عرصه حضور خصولتی هاست و جایی برای بخش خصوصی نیست. بنابراین، با توجه به محدودیت و انحصار در بازار داخل و عدم دسترسی به بازار خارجی، هر چند نمی توان اثرگذاری شرکت های دانش بنیان بر رشد اشتغال را نفی کرد اما استفاده حداکثری از ظرفیت های آنان مورد تردید است.





## پیامد اصلی تحریم، کمبود منابع ارزی است تغییر جغرافیای تجارت

حمیدرضا صافدل رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت

داشت، کمبود منابع ارزی است. آمریکا بر روی اصلی ترین منابع ارزی ایران، یعنی ارز حاصل از فروش نفت، دست می گذارد و فشارهای خود را در این حوزه متمرکز می کند. در واقع هدف آمریکا به چالش کشیدن منابع ارزی است که تامین کننده نیازهای اصلی کشور است. آمریکا از طریق به چالش کشیدن نظام ارزی و منابع ارزی کشور، تمام برنامه های اقتصادی، رفاهی و امنیت اجتماعی را به چالش می کشد. از این رو کشور وارد مبارزه اقتصادی جدیدی شده که باید برای آن برنامه داشته باشد تا بتواند از این دوره گذار عبور کند و به سر منزل مقصودی برسد که آینده بهتری را برای فرزندان این سرزمین رقم بزند. از آنجایی که یکی از موضوعات اصلی در تحریم، کاهش منابع ارزی از طریق کاهش مبادلات نفتی است، اگر بتوانیم درآمد حاصل از بخش معدن و صنایع معدنی را در قالب تهاوت تبدیل به کالا کنیم، می توانیم بخشی از نیازهای کشور را از این محل تامین کنیم. برای غلبه بر شرایط تحریم، اول باید تغییراتی در رویه های تجاری کشور ایجاد کنیم که اصلی ترین آن، ایجاد تسهیل و انعطاف پذیری بیشتر در رویه های تجاری است. یکی از راهکارهای بسیار موثر در تسهیل تجارت، حمایت از فعالیت بخش خصوصی است که باید به صورت جدی در دستور کار دولت قرار گیرد. ایران ظرفیت های خوبی در حوزه های دانش، ارتباطات و سرمایه در بخش خصوصی دارد که باید از طرف دولت به کار گرفته شود. هیچ تصمیمی نباید اتخاذ شود، مگر اینکه در مشورت با بخش خصوصی و در جهت تسهیل در تجارت باشد. ما در مقطعی این تجربه را داشتیم و دیدیم که بخش خصوصی بهتر از بخش دولتی می تواند به صحنه بیاید.

شایسته است با راه اندازی اتاق های فکر با ترکیبی از نمایندگان موثر بخش دولتی و خصوصی و انتخاب رویه های آسان و انعطاف پذیر، تسهیل تجارت را پیش بگیریم و بنا بر شرایط اقتصادی کشور، بعضی از رویه های اقتصادی را به صورت مقطعی تغییر دهیم و در حوزه های پولی، مالی و گمرک و سایر نهادهای اجرایی انعطاف داشته باشیم. با اعمال سیاست انعطاف، امکان انتخاب های شجاعانه به مدیران بخش اجرایی بدهیم و از ظرفیت اجرای تصمیم های شجاعانه در نهادهای اقتصادی حمایت کنیم. همچنین، افراد سودجو، متخلف و رانت خوار باید از اعمال قانون بترسند و خودشان را در حاشیه امن نبینند. فعالان اقتصادی باید با اطمینان از حمایت های اقتصادی، حقوقی و مشورتی دولت در این صحنه باقی بمانند. باید با تدابیر اتخاذ شده، فعالان اقتصادی در مقابل اتهام وارد شده در خصوص نقض تحریم ها، بتوانند از حمایت های مشورتی و حقوقی دولت برای دفاع از خودشان، بهره مند شوند. در دوره قبل تحریم که از سوی آمریکا، شورای امنیت، نهادهای اروپایی و برخی از کشورهای شرقی اعمال شده بود، به برخی از بانک ها و بیمه ها اتهام نقض تحریم وارد شد که در دادگاه های بین المللی اروپا اقامه دعوا کردند و در نهایت دادگاه به نفع آن ها رأی صادر کرد. / آینده نگر

این باور در جامعه غالب شده که محدودیت ها و تحریم های اعمال شده در سال ۹۸، شرایط کشور را سخت تر از دوره تحریم قبلی می کند و این شرایط سال سختی برای تجارت خارجی رقم می زند. البته راهکارهایی برای برون رفت از این شرایط نیز مطرح می شود. بدون شک این مورد قبول همگان است که شرایط سال ۹۸ شرایط سختی است. بودجه سال ۹۸ و شرایط عمومی اقتصاد کشور نیز، موید این امر است. اتفاقات و حوادث غیر مترقبه چون سیل و روان آب ها، که در فروردین ماه رخ داد، نیز مزید بر علت شد تا شرایط پیش رو را با تدبیر و مدیریت ویژه ای پیش ببریم.

با نادیده گرفتن سایر عوامل و تمرکز بر تحریم، می توان گفت تحریم پدیده خاصی است که در دهه اخیر به عنوان یک سیاست کاربردی و ابزار فشار از طرف برخی از قدرت های بین المللی، به ویژه آمریکا، مورد استفاده قرار گرفته است. ایران در یک دوره پرچالش با تحریم دست و پنجه نرم کرد و با انجام مذاکرات طولانی، به نقطه ای رسید که از این شرایط خارج شود و می توانست در مسیری قرار گیرد که شاید متفاوت از شرایط پیش رو بود. اما بیابید واقعیت های موجود را بپذیریم. اتفاقی که در سال های گذشته رخ داد، قابل نادیده گرفتن و انکار نیست و نمی توانیم بگوییم تحریم ها به هیچ وجه اثر ندارند. باید با پذیرفتن واقعیت های این رخداد، آن را در حد توانمان مدیریت کنیم. یکی از پیامدهای اصلی که تحریم ها بر حوزه بازرگانی خارجی داشته و خواهد

## کشورهایی که «صفر» از پول ملی شان حذف کرده‌اند

سال و تعداد صفرهای حذف شده

@mardomsalari1

مردم سالاری

|                              |                                     |      |
|------------------------------|-------------------------------------|------|
| آلمان                        | حذف ۱۲ صفر                          | ۱۹۲۳ |
| اتریش                        | حذف ۴ صفر                           | ۱۹۲۵ |
| مجارستان                     | حذف ۲۹ صفر                          | ۱۹۴۶ |
| فرانسه                       | حذف ۲ صفر                           | ۱۹۶۰ |
| کره جنوبی                    | حذف ۲ صفر                           | ۱۹۵۷ |
| شیلی                         | حذف ۳ صفر                           | ۱۹۶۰ |
| آرژانتین                     | حذف ۲ صفر                           | ۱۹۷۰ |
| برزیل                        | حذف ۳ صفر                           | ۱۹۶۲ |
| رئیم مهبونیستی               | حذف ۱ صفر                           | ۱۹۸۰ |
| روسیه                        | حذف ۳ صفر                           | ۱۹۹۸ |
| زیمبابوه                     | حذف ۳ صفر                           | ۲۰۰۶ |
| ترکیه                        | حذف ۶ صفر                           | ۲۰۰۵ |
| آذربایجان                    | ۲۰۰۶: یک منات جدید = ۵۰۰۰ منات قدیم |      |
| ترکمنستان                    | ۲۰۰۹: یک منات جدید = ۵۰۰۰ منات قدیم |      |
| ونزوئلا                      | حذف ۵ صفر                           | ۲۰۱۸ |
| ایران                        | حذف ۴ صفر                           | ۲۰۱۹ |
| تصویب حذف ۴ صفر در هیات دولت |                                     |      |

موارد ذکر شده در این اینفوگرافی، تعدادی از کشورهایی هستند که به دنبال کاهش شدید ارزش پول ملی شان، اقدام به «حذف صفر» کرده‌اند. این سیاست عمدتاً در کنترل تورم ناموفق بوده و تنها زمانی موفق بوده که دولت‌ها توانسته‌اند نقدینگی را کنترل کنند.

تولید کشور به کل تولیدات جهانی در سالهای اخیر مویید این موضوع است. از طرف دیگر فربه شدن روزه به روز بدنه دولت و افزایش بودجه عمومی در هر سال نه تنها هیچ علایمی مبنی بر انضباط مالی و کوچک شدن دولت را نشان نمی دهد، بلکه به فرمایش مسئولی از دولت □ پشت سر هر ردیف بودجه‌ای قوم و قبیله‌ای قرار دارند و امکان کم یا حذف کردن ردیف‌های بودجه ممکن نیست □.

با توجه به مجموعه این شرایط در حال حاضر امکان حذف ۴ صفر از پول ملی به منظور کنترل تورم و افزایش ارزش پول ملی امکان پذیر نیست. بلکه با عنایت به موارد فوق الذکر چه بسا موجب تسهیل شرایط برای تورم‌های بیشتر در آینده گردد.

ضمن اینکه بار مالی مازاد تغییر همه دفاتر و اسناد مالی و پولی، و سوء استفاده برخی از عرضه کنندگان کالاها و خدمات و بدتر شدن وضعیت اقشار آسیب پذیر نیز از عواقب جبران ناپذیر این مسئله است. والسلام

## چرا باید با صفر پول‌ها خداحافظی کرد؟

### ویژگی طرح اصلاح پولی

- عدم تاثیر در قدرت خرید و ارزش واقعی پول
- افزایش آسانی ارزش پول ملی
- حفظ غرور ملی در صحنه بین‌المللی
- تسهیل مبادلات پولی
- کاهش هزینه‌های چاپ
- کاهش حجم پول
- جلوگیری از دلاریزه شدن اقتصاد کشورها



### معایب

- هزینه بر بودن اجرا
- ایجاد تورم حداقلی و مقطعی

### رکورددار حذف صفر

برزیل  
(حذف ۱۸ صفر در ۶ مرحله)

### نخستین حذف صفر

آلمان

### نمونه شکست خورده

زیمبابوه  
(حذف ۳ صفر + عدم مهار تورم)

### نمونه موفق

ترکیه  
(حذف ۶ صفر + مهار کامل تورم)

### اجرای تغییر واحد پولی

و کاهش تعداد صفر  
در بیش از ۵۰ کشور

### اهداف

تسهیل مبادلات مالی،  
رویه‌های ثبت، حسابداری

### روند انباشت صفرها

یک تومان = ۱۳۵۰

یک هزار و ۹۵۰ تومان = ۱۳۹۶

### سرانه اسکناس در ایران

● سال ۵۶: ۱۸ بری

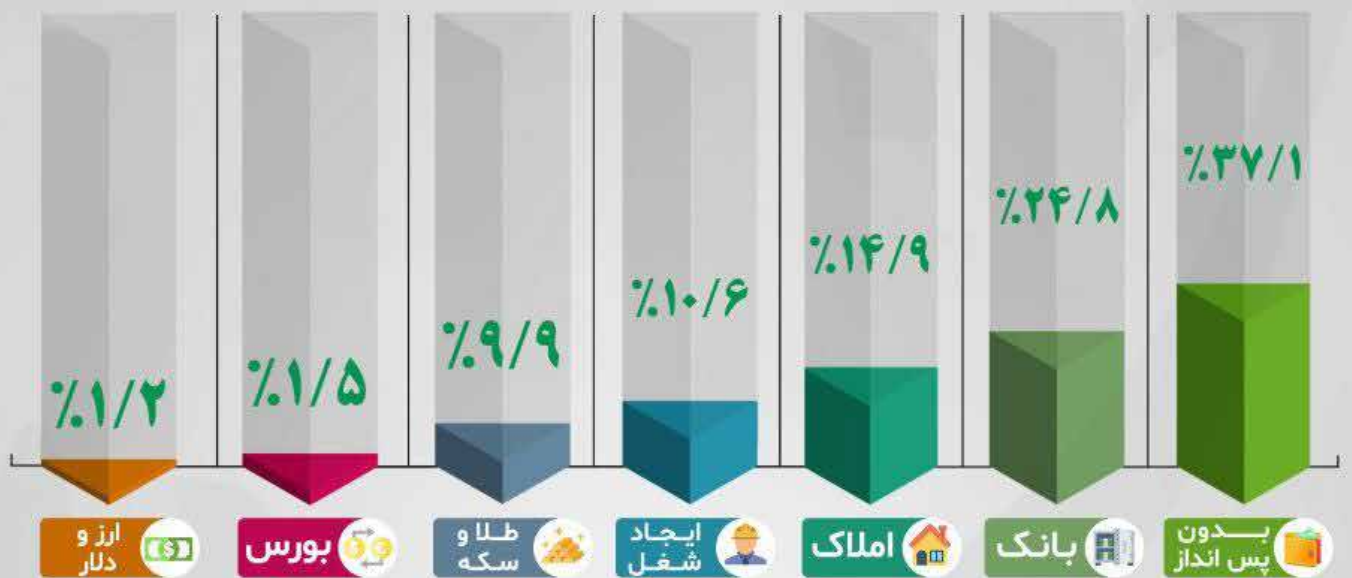
● سال ۸۷: ۱۱۴ بری

### سرانه اسکناس در کشورهای پیشرفته

بین ۱۴ تا ۱۲ بری

۲۸ | ۵۳ | منبع: ایرنا

## پس انداز مردم ایران



بیش از یک سوم مردم ایران هیچ گونه پس اندازی ندارند

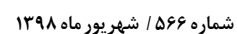




## گزارش سالانه تجارت الکترونیکی ایران



## زیر ساخت تجارت الکترونیکی

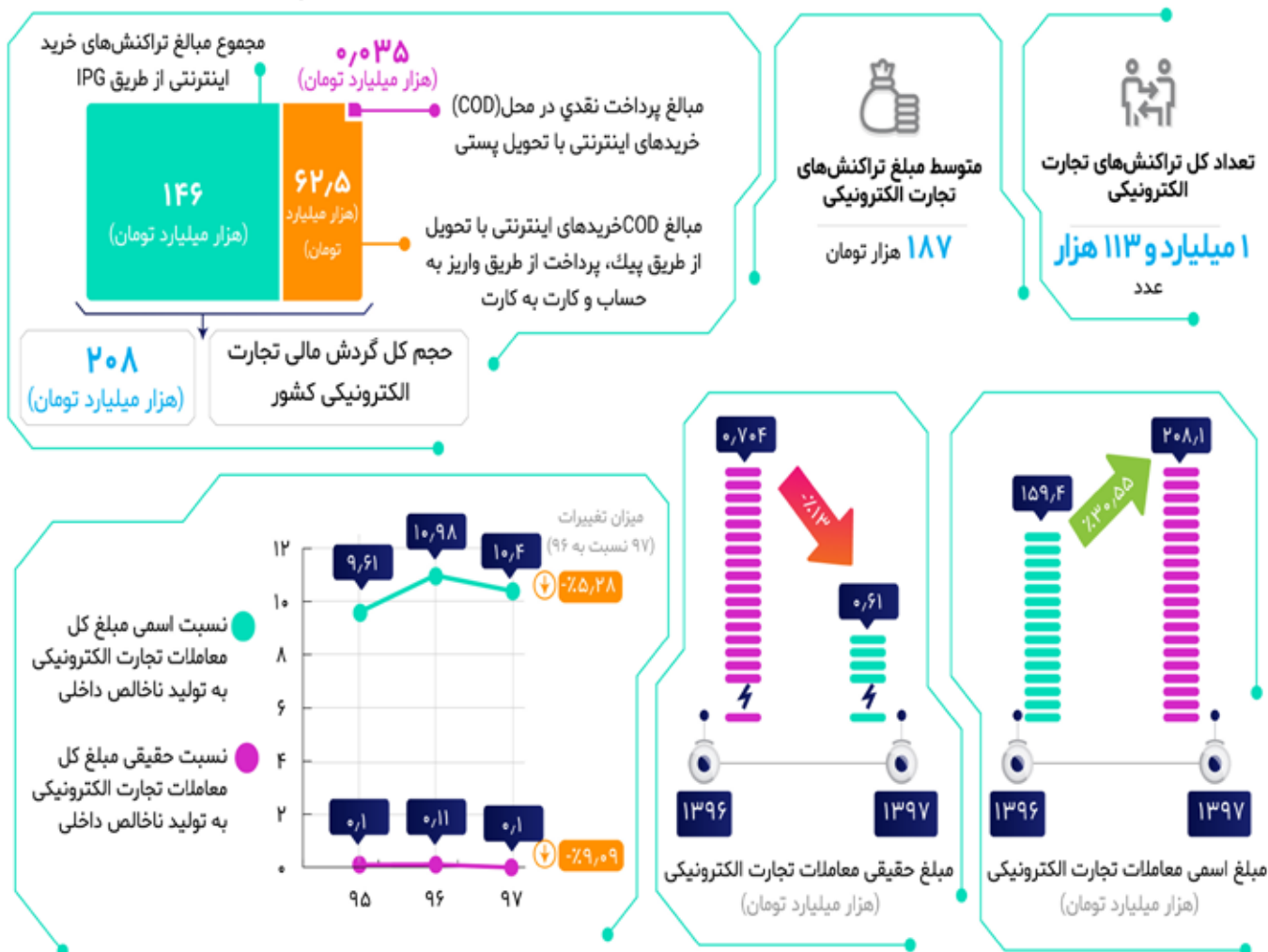


اهم نتایج مشتمل بر خلاصه وضعیت تجارت الکترونیکی ایران تا پایان سال ۹۷ به شرح زیر است:

- ضریب نفوذ اینترنت، به ۷۸ درصد رسیده که بالاتر از میانگین خاورمیانه و جهان است.
  - نرخ کاربران اینترنتی به عنوان خریدار الکترونیکی بالقوه به ۷۰ درصد رسیده (بارشد ۹/۴ درصدی نسبت به سال ۹۶) و اکنون ایران در زمره ۲۰ کشور برتر جهان در این شاخص قرار دارد.
  - حجم معاملات تجارت الکترونیکی ۲۸ هزار میلیارد تومان (بارشد اسمی ۳۰ درصدی نسبت به سال ۹۶) است.
  - مبلغ هر خرید الکترونیکی به طور متوسط حدود ۱۸۷ هزار تومان برآورد می شود.
  - تعداد کل معاملات تجارت الکترونیکی ۱ میلیارد و ۱۱۳ هزار عدد برآورد می شود.
  - تعداد کل معاملات الکترونیکی دولتی ۱۲۲ هزار عدد می باشد.
  - سهم تعدادی تراکنش های درگاه پرداخت اینترنتی از کل تراکنش های بانکی ۴ درصد است.
  - تعداد وب سایت های تجارت الکترونیکی دارای نماد اعتماد الکترونیکی هستند.
  - سهم شاغلان تجارت الکترونیکی از کل شاغلان کشور ۵/۵ درصد برآورد می شود.
- منبع: مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

## عملکرد تجارت الکترونیکی

۲



### فروشگاه آنلاین عمومی



بیشترین زمینه فعالیت واحدهای کسب و کار الکترونیکی دارای اینماد

اپلیکیشن موبایل ۲۴٪

شبکه‌های اجتماعی ۳۴٪

پیام‌رسان‌ها ۱۹٪

روش ارائه کالا یا خدمت واحدهای الکترونیکی دارای اینماد (در کنار به کارگیری وبسایت)



|                     |       |     |
|---------------------|-------|-----|
| تهران               | ۲۲۶۹۶ | ۲۴٪ |
| خراسان رضوی         | ۳۷۵۱  | ۸٪  |
| اصفهان              | ۳۶۹۳  | ۸٪  |
| قزاس                | ۲۵۵۳  | ۵٪  |
| آذربایجان شرقی      | ۱۸۵۳  | ۴٪  |
| البرز               | ۱۵۷۶  | ۳٪  |
| مازندران            | ۱۵۲۶  | ۳٪  |
| گیلان               | ۱۲۰۹  |     |
| خوزستان             | ۱۰۶۸  |     |
| قم                  | ۹۲۵   |     |
| آذربایجان غربی      | ۸۵۶   |     |
| یزد                 | ۸۰۳   |     |
| هرمزگان             | ۶۸۹   |     |
| کرمان               | ۶۱۶   |     |
| گلستان              | ۵۶۴   |     |
| قزوین               | ۴۷۳   |     |
| بوشهر               | ۴۴۵   |     |
| مرکزی               | ۴۳۸   |     |
| کردستان             | ۴۰۶   |     |
| کرمانشاه            | ۳۷۸   |     |
| همدان               | ۳۷۵   |     |
| اردبیل              | ۳۶۹   |     |
| زنجان               | ۳۵۱   |     |
| سمنان               | ۳۲۵   |     |
| خراسان جنوبی        | ۳۰۶   |     |
| لرستان              | ۲۳۱   |     |
| خراسان شمالی        | ۲۰۹   |     |
| چهارمحال و بختیاری  | ۱۷۹   |     |
| سیستان و بلوچستان   | ۱۶۴   |     |
| ایلام               | ۹۱    |     |
| کهگیلویه و بویراحمد | ۷۶    |     |

تعداد واحدهای کسب و کار الکترونیکی دارای اینماد به تفکیک استان



گروه جنسیتی مالکین واحدهای کسب و کار الکترونیکی دارای اینماد



تعداد کل واحدهای کسب و کار الکترونیکی دارای اینماد

تعداد واحدهای کسب و کار الکترونیکی در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ با رشد ۴۴ درصدی همراه بوده است.

تعداد وبسایت‌های تجارت الکترونیکی

۲۷۰ هزار عدد



سهم واحدهای کسب و کار الکترونیکی دارای اینماد از کل وبسایت‌های تجارت الکترونیکی

۱۸٪

## گروه کارخانجات طوس فدک

اولین تولید کننده انواع سمپاش های،  
پشت تراکتوری و موتوری، توربین زراعی  
و توربین باغی (تحت لیسانس اروپا) با  
۳۵ سال سابقه در ایران میباشد.

# طوس فدک

TOOS FADAK

## طوس فدک حافظ دست رنج کشاورز

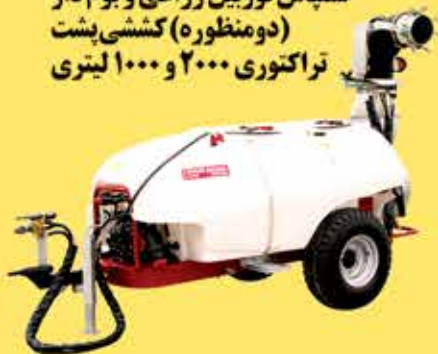
سمپاش دو منظوره کششی پشت تراکتوری  
توربین باغی و زراعی بوم دار  
۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ لیتری



سمپاش ۸۰۰ لیتری زراعی سوار شونده  
پشت تراکتوری توربینی و بوم دار  
(دو منظوره)



سمپاش توربین زراعی و بوم دار  
(دو منظوره) کششی پشت  
تراکتوری ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ لیتری



سمپاش موتوری چرخ دار  
۱۰۰ و ۲۰۰ لیتری



سمپاش سوار شونده بوم دار  
۴۰۰، ۶۰۰ و ۸۰۰ لیتری  
با بوم های ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ متری



سمپاش زنبه ای



بیلر بسته بنده علوفه  
طرح کلاس با کارایی مطمئن



# طوس فدک

TOOS FADAK

محصولات گروه کارخانجات طوس فدک  
با ضمانت و خدمات پس از فروش در خدمت کشاورزان عزیز

آدرس دفتر مرکزی: مشهد خیابان جمهوری اسلامی (بلوار فرودگاه) نبش جمهوری اسلامی ۱۷ پلاک ۳۶۵  
آدرس کارخانه: مشهد کیلومتر ۲۳ جاده قوچان، ابتدای شهرک صنعتی فناوری های برتر

Nilooofar Nilooofar



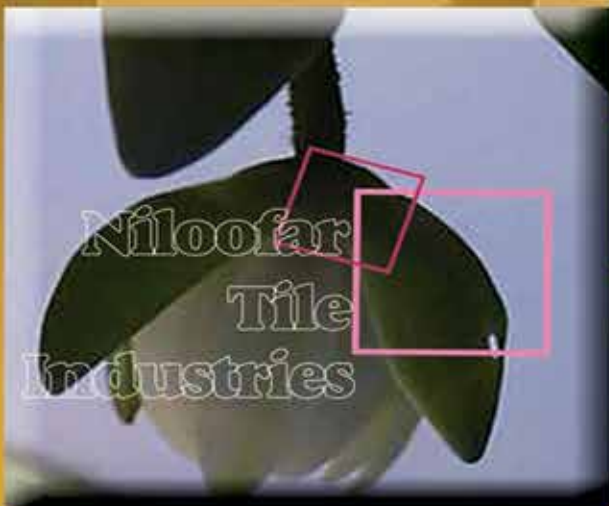
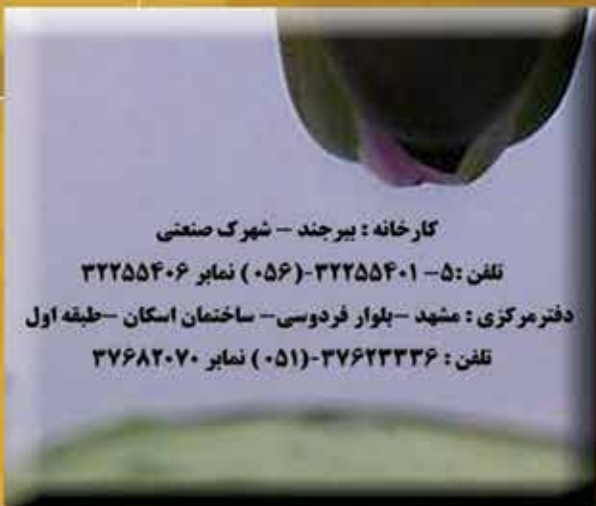
Nilooofar Tile Industries

صنایع کاشی نیلوفر

نیلوفر

کاشی  
صنایع

لعل نیلوفر زحاک آمد



کارخانه : بیرجند - شهرک صنعتی

تلفن : ۵- ۳۲۲۵۵۴۰۱ - (۰۵۶) نمابر ۳۲۲۵۵۴۰۶

دفتر مرکزی : مشهد - بلوار فردوسی - ساختمان اسکان - طبقه اول

تلفن : ۳۷۶۲۳۳۳۶ - (۰۵۱) نمابر ۳۷۶۸۲۰۷۰

Nilooofar  
Tile  
Industries